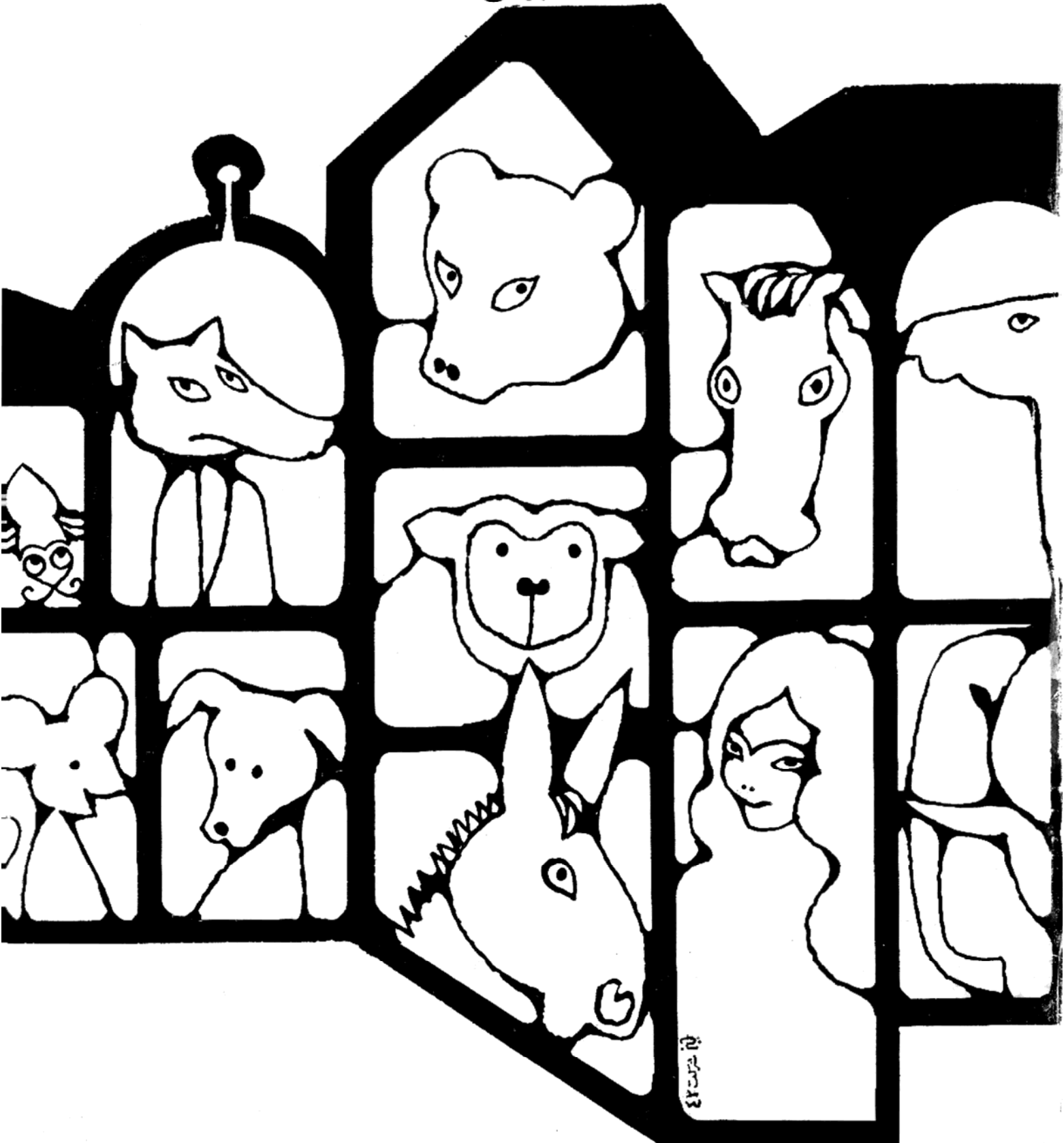


شهر قصه

نوشتہ بیژن مفید





این بازی در تاریخ بیست و یکم
شهریور ۱۳۰۷ برای نخستین بار در جشن
هنر شیراز - تالار دانشگاه پهلوی ،
به روی صحنه آمد و بار دیگر به مدت
نود و یک روز در تهران تأثیر ۴۵
شهریور و نیز در شهرهای آبادان و
مسجد سلیمان نمایش داده شد .

شماره ثبت دفتر کتابخانه ملی $\frac{۴۴۵}{۲۸۶۶۵}$

چاپ شده در چاپخانه زیبا

حق چاپ برای سازمان جشن هنر محفوظ است

شهر قصه . نمايشنامه در دو پرده و چهار صحنه .

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده

تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بر روی صحنه برده شد
و به دریافت امتیاز نائل آمد.

نقشهای نمایشنامه شهر قصه

جمیله فدائی «مفید»

تھمینہ مدنی

فرخ صوفی

فرہاد صوفی

محمود استاد محمد

آرش

عبارتند از: بز کہ در اجرای آن بہ کارگردانی بیژن مفید توسط:

رشید کنعانی

حسین والامنش

عباس جاویدان

سہیل سوزنی

اردوان مفید

ہومن مفید

داستانسرا

خالہ سوسکہ

خرس

سگ

خر

میمون

فیل

روباه

اسب

شتر

موش

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در قالار بیست و پنج
شهریور بازی شد

« ... شهر قصه در اصل از يك روايت عاميانه گرفته شده ؛ منتهی من به این روايت شكلی تمثیلی داده‌ام . من در این نمایشنامه کوشیده‌ام تا نظمی را که خاص زبان این قبیل روایت‌های عامیانه است در گفتگوی آدم‌های این نمایش حفظ شود .

« شهر قصه » حکایت دردناک آدمی است که نادانیها ، خرافات و سنتها و نظام‌های تحمیل شده‌ای زندگیش را محدود کرده‌اند .

بیژن مفید

شهر قصه

صحنه : چارسوق شهر قصه با حجره‌هایی در اطراف .
گوینده وارد میشود .

گوینده

یکی بود ، یکی نبود .

اون زمونهای قدیم ،

زیرگنبد کبود ،

میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،

شهر با صفائی بود .

دور تادورش گل سرخ .

روبروش کوه بلند .

با چمن‌های وسیع

که پراز شاپر که .

مردمانش همه خوب .

همه پاك و مهربون .

همه پر كار و زرنگ .

همه روز صبح سحر وقت اذون ،

همه بيدار ميشدن ،

تا برن با عجله ،

سر كار خودشون .

(اهالی شهر قصه تك تك وارد ميشوند و جلوی حجره خود قرار ميگيرند .)

راستی داشت يادم ميرفت .

اسم اين شهر قشنگ ،

شهر قصه بود ... يادتون نره !

باری کجا بوديم ؟

آره ، از مردم شهر حرف ميزديم .

بچه های خوب که شما باشين

توی شهر قصه هم

مثل هر جای ديگه

هر کسی يه کاری داشت

خره خراطی ميکرد

(خر ، به هیئت جاهلها و يکّه بزنها پيش می آید)

قلیونای خوب داريم

خر

گلدونای خوشگل مرغوب داريم

آقايون بفرمائين

خانوما بفرمائين

بعد نزديك غروب

گوينده

دست از کار میکشید
روسرش کلاه مخملی میداشت
کتشو یكوری مینداخت رو شونهش
سییلش رو تاب میداد ، گشادگشاد راه میرفت ،
سر چارسوق می نشست غزل میخوند ،
چارسوقو قرق میکرد .
شتره نمدمائی میکرد .

شتر

نمدای خوب داریم
جنسهای مرغوب داریم
کپنک ، کلاه نمدی
واسه بچّه چوپونا
که رو کوههای بلند نی میزنن .
آقایون بفرمائین کلاه نمدی
آخ اونم چه نمدی !
همه از پشمهای اعلاى شتر
که خود بنده باشم ، درست شده .

گوینده

گاهی هم که کاروبار خوب نبود
برای مردم شهر قصه نقالی میکرد
خر گوشه رزازی میکرد
(خاله سوسکه با طنازی چارسوق را دور میزند)
خاله سوسکه این وسط
با مینی ژوپ خودش
دل مردمو میبرد
تو کوچه اینور و اونور میدوید ، نازی میکرد .

خلاصه حسابی طنازی میگرد .

(خرس و روباه بدنبال خاله سوسکه راه می‌افتند . خرس از صحنه خارج میشود)

بزه بزازی میگرد

توی حجره‌ش سر چارسوق مینشست

پارچه‌ها رو زرع میگرد

با شاخش پاره میگرد .

سگه عطاری میگرد

آقایون بفرمائین .

خانوما بفرمائین .

چی چی میل دارین بدم ؟

گل خنمی ؟ شیرخشت ؟

مغز بادوم ؟ ... زردچوبه ؟

میخواهین فلوس بدم ؟

واسه رو دل خوبه .

آخ عناب نگو !

عین لپ دختراس

از سه پستون چی بگم !

دوای درد شماست !

سرتون گیج میره ؟

پاهاتون جون فداره ؟

شبا سرفه میکنین ؟

دواتون پیش منه .

سگ

آقایون بفرمائین .

خانوما بفرمائین .

کلاغه خبرچینی میکرد
قاطره نعلبندی میکرد

گوینده

آقایون بفرمائین

خانوما بفرمائین

يك حراج واقعی !

يك حراج بی نظیر !

نعلو ارزون کردم !

باغت آباد بشه نعلو ببین !

واسه پای خر خوبه !

واسه پای اسب خوبه !

خانوما که سم دارین !

آقایون که سم دارین !

نعلهای شیک داریم .

نعلهای آهنی ،

نعلهای چوبی و چرم و پلاستیک داریم !

نعلهای نشکن پاشنه کوتاه ،

نعلهای محکم پاشنه بلند .

مدل امسال مکزیك داریم .

نعلهای پنجه یهن ،

نعلهای پنجه باریك داریم .

همه آخرین مدل ،

قاطر

مال اولیّن مزون ،
از روی ژورنال نعل این سزون !
خانومای با سلیقه میدونن من چی میگم .
آقایون بفرمائین !
خانوما بفرمائین !

گوینده
روی يك درخت بيد شونه بسر نشسته بود ،
سرشو شونه میگرد .
روباه ملا شده بود ،
بچه‌هارو درس میداد .

روباه

بدوئین ،

تنبلای بیسواد !

بشینین .

(دیگران با کتاب و دفتر پیش می‌آیند و بشیوۀ مکتب‌خانه گردهم روی

زمین می‌نشینند)

کتابارو واز کنین

صفحه یازدهم

(همه اطاعت میکنند . موش با عجله سر میرسد و می‌نشیند)

حاضرین ؟...

... البته

همه

خوب

روباه

الف ابن ، اب نبن ،

که آ ابن من الابن اینا .

(دیگران تکرار میکنند)

ب بین ب ب نین

که با بین من البین بینا .

(دیگران تکرار میکنند خاله سوسکه کتاب زیر بغل با عجله وارد میشود)

د بدو همشیره ! ...

خاله

... خاله ب سرم !

بازم انگار یه کمی دیر اومدم .

(همه به خاله سوسکه نگاه میکنند و جابجا میشوند)

روباه

بله مثل هر روز .

خاله

خیلی معذرت میخوام .

روباه

خوب حالا بفرمائین .

خوب دیگه شروع کنیم

(خاله سوسکه میرود و زیر پای میمون روی پله ها مینشیند)

الف دو زیر آن و دو زیر آن و دو پیش آن .

همه

آن آن آن .

روباه

الف دو زیر آن و دو زیر آن و ... خرس برمال گوش کند !

(خرس وارد میشود)

(روباه ناخنهای خرس را واری می کند . خرس مینشیند)

... دو پیش آن .

همه

آن . آن . آن .

روباه ب دو زبر بن و دو زیر بن و دو پیش بن .
 (دیگران تکرار میکنند)
 ب دو زبر بن و دو زیر بن و ... خاله سوسکه گوش کند !
 (بطرف خاله سوسکه میرود و میکوشد خود را به او بچسباند)
 دو زیر بن و ... بن ... بن

خاله (کلافه) بن !!

روباه ... دو پیش بن !
 (دیگران تکرار میکنند)
 جیم دو زبر جن و دو زیر جن و دو پیش جن .

دیگران جن جن جن .

روباه جیم دو زبر جن و دو زیر جن و دو پیش جن .
 (بطرف خاله میرود خاله روی خود را برمیگرداند)
 همه جن جن جن

روباه برعکس !

همه جن جن جن

جن ! جن ! جن !

روباه چطو شده ؟

خرس جن آمده !

شتر

جن ؟ نه بابا !؟

خاله

کوش ؟... کجارت ؟

خرس

بگمانم که زیر عبای ملا رفته است .

روباه

(با وحشت) چی ؟ زیر عبای من ؟
وای ! وای !

همه

جن جن جن

(روباه از وحشت بالا و پائین می جهد ، کلاس بهم میریزد و شاگردان دور روباه میرقصند - رقصی شبیه مراسم سینه زنی . و روباه میگریزد)

گوینده

خوب دیگه لابد همه فهمیدین ،

که خرسه رمایی میکرد

سر کتاب واز میکرد ، فال میگرفت ،

رمل و اسطرلابشو ،

توی دستش تاب میداد ،

زیر لب دعا میخواند ،

دور تا دورش فوت میکرد ،

بعد سرفه ای میکرد ، بادی به غبغب می آورد ،

که

خرس

... بله همشیره .

خوب گوش کن چی میگم .

طالعت هست بلند

که من امروز شما را دیدم .

واقعاً طالع خوبی داری .

چون همین الساعه

برج تو در قمر است

برج عقرب در ماه

یا قمر در عقرب

(میمون با حالت معترض بطرف خرس می رود)

چه تفاوت داره ؟

منقلوتن وزقا

حپروتن کذبا .

حشراتن صفحاتن ممه هات ...

(دور خاله سوسکه میگردد . خاله سوسکه سرعت خارج میشود .)

گوش کن همشیره

لااله الله !

(همه به او می خندند . خرس می رود و مینشیند)

خوب اینهم مال خرس

دیگه کی موندند ؟ ... بله .

خروسه سخنرانی میکرد

طوطیه شعر میگفت ،

تو مجله چاپ میکرد

موشه ... صبر کن ببینم

اوه آره یادم اومد

موشه هیچ کاری نداشت

فقط عاشق شده بود

(موش از بالای پله ها آواز می خواند و پائین می آید)

نه دیگه این واسه ما دل نمیشه

گوینده

نه ديگه اين واسه ما دل نمیشه
هر چی من بهش نصیحت میکنم
که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمیشه
میگه یا اسم آدم دل نمیشه
یا اگر شد دیگه عاقل نمیشه
(بطرف خرس میرود)

خرس
بش میگم جون دلم
اینهمه دل توی دنیاست ، چرا
یه کدوم مثل دل خراب صابمردۀ من
پا پی زنهای خوشگل نمیشه ؟
(موش تکرار میکند و بطرف روباه میرود)

روباه
چرا از اینهمه دل
یه کدوم مثل تو دیوونه زنجیری نیست ؟
یه کدوم صبح تا غروب
تو کوچه ول نمیشه ؟
(موش تکرار میکند و سپس ادامه میدهد)

موش
میگه يك دل مگه از پولاده
که تو این دور و زمونه چششو هم بذاره
هیچ چیزی نبینه
یا اگر چیزی دید
خم به ابروش نیاره ؟
(بطرف شتر میرود)

شتر
میگم آخه باباجون

اون دل پولادی
 دستکم دنبال کیف خودشه
 دیگه از اشک چشم
 زیر پاش گل همیشه
 (موش با اوقات تلخی از او روی می گرداند)

میمون میگه هر سکه همیشه قلب باشه
 اما هر چی قلب شد دل همیشه
 (موش تبسم می کند و ادامه می دهد)

موش نه دیگه ... این واسه ما دل همیشه
 (موش از پله ها بالا میرود و ناپدید میشود)

گوینده نه دیگه این واسه ما دل همیشه .
 قورباغه غواصی میکرد
 میمونه رقاصی میکرد
 همه رو از خنده روده بر میکرد
 پته مردم نادرستو بر آب میریخت .

(میمون به میان چارسوق می آید و همراه آوازی که می خواند کشت
 گندم را از هنگام افشاندن بذر تا پختن نان با حرکت مجسم می کند .
 اما در هر مرحله یکی از اهالی شهر مقداری از دسترنج او را میدزدد)

میمون گندم گل گندم گل گندم گل گندم (۲)

همه زمینش مال ماس آبش مال مردم گل گندم (۲)

میمون گندم میکاریم همچین و همچون گل گندم (۲)

همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
میمون	درو اش میکنیم همچین و همچون گل گندم (۲)
همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
میمون	آسیاب میبریم همچین و همچون گل گندم (۲)
همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
میمون	آردش میکنیم همچین و همچون گل گندم (۲)
همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
میمون	ما نون میپزیم همچین و همچون گل گندم (۲)
همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
میمون	وقتی میخوریم همچین و همچون گل گندم (۲)
	(مینشیند تا يك لقمه نانی را که برایش باقی مانده بخورد . اما خر پیش می آید و آنرا هم از دستش می قاپد . میمون دستهای خالی خودش را تکان میدهد و از طناب خودش بالا میرود و ناپدید میشود)
همه	زمینش مال ماس آتش مال مردم گل گندم (۲)
گوینده	تا هفت هشت سال پیش از این یکروزی تنگ غروب فیل او مد بشهر ما (همه با دیدن فیل بطرفی فرار میکنند) مردم شهر همه مشغول کاراشون بودن

فیل او مد تموشاکنه افتاد و دندونش شکست .

فیل

آی ... آی ...

بدوئین ای آقايون

بدوئین ای خانوما

یزشگ و بیطار بیارین

دکتر و جراح بیارین

(به محض اینکه مردم شهر فیل را موجودی دستوپا چلفتی و بسیار مؤدب و خجالتی می‌یابند ، ترسشان میریزد و یکی یکی پیش می‌آیند)

سگ

اگه شیرخشت میخوای

اگه عناب و سه پسون میخوری

جنس خیلی خوب دارم

گل ختمی ، گل کاسنی ، بییچم ؟

فیل

نه بابا گل چی چیه ؟

من بدبخت بی دندون دارم اینجا میمیرم

دسته گل میخوام چیکار ؟

خر

عوضش خودم برات قلیون نی پیچ میارم

قاب عکس و چپق و گلدون خاتم میارم

اسب

حنای خوب نمیخوای ؟

فیل

لااله الاالله

بز

پارچه‌های فاستونی

آخ خدايا چه كنم ..؟
چه كنم چاره كنم ؟
به چيزی بدین پاره كنم !
من ديگه دندان ندارم ، دكتور و جراح بيارين
حال ندارم چون ندارم ... حكيم و بيطار بيارين

خر ای بابا دلت خوشه ما اينجا دكتور نداريم
حكيم مفت خور نداريم

فيل پس اگر مريض بشين ، آبله مرغون بگيرين ،
سيا سرفه بگيرين يا مخمك در بيارين ،
کی باهاس درد توفو دوا كنه ؟
تو كدوم دواخونه نسخه هفت رنگ ميبچن ؟

خر خوب مگه مرض داريم مريض بشيم ؟

اسب توی اين شهر بزرگ
نه كلينیكي هست
نه دواخونه ، نه بیمارستان .

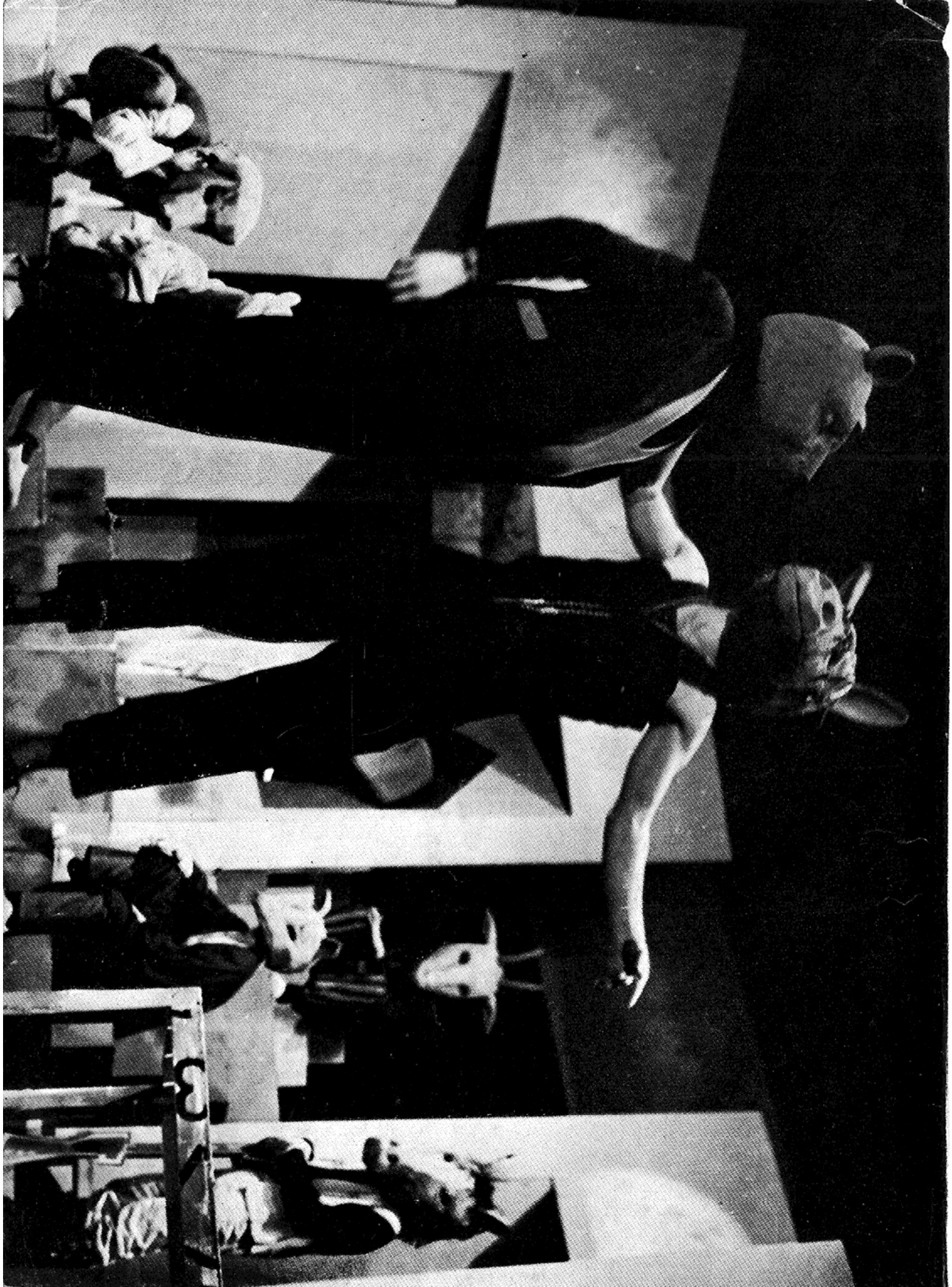
خر ببينيم
اسم سرکار چی باشه ؟

فيل (ميترسد)
ب ... ب ... بنده ... فی .. فيلم

خر (به ديگران)









میگه اسمش فی فیله!

(وارد میشود و روی دستهای خر مینشیند)

طوطی

فی فیل خان

بفرما

شعر میخونی بسم الله !

قصیده‌های اعلا

غزل بسبک مولا

رباعی‌های گرمون

دوبیتی‌های شیراز

جون میده واسه آواز

خر

غزل بسبک هندی

فیل

اگه بخونی میخندی

خر

غزل بسبک سعدی

طوطی

غزل بسبک حافظ

شعر سفید یک دست

که قافیه نداره

خر

رفته بر اش بیاره .

طوطی

ولش کن

خر

فوفوژ سواد نداره

کسی که سواد نداره

طوطی

اینهمه باد نداره

خرس

(بلند میشود و بطرف فیل میرود . فیل بطرف سقاخانه فرار میکند .

خرس بدنالش میرود و روی پله سقاخانه مینشیند)

یا الله ... یا الله

خوش آمدی بفرما

فالگیر و رمالم من

حلال مشکلاتم

جن گيرو و دلالم من

اسمتو بگو تا جنتو بگیرم

کف بین و رمالم من

دستتو بده طالعنو بینم .

(دست فیل را میگیرد)

نامه داری تو راهه .

يك زن لاغر اندام

دشمنته ... دشمن روسیاهه

همین روزا پولی بدستت میرسه ...

... کدام پول ؟

روباه

پول زیادی که میشه حواله

خرس

از طرف عمه ، عمو ، یا خاله .

بفرمائید که این پول

روباه

چقدر است ، چطور است ،

حلال است ، حرام است ؟

- خرس اونشو دیگه چه عرض کنم ...
- میمون (از بالا) ... بگم من ؟
خمس و زکوتش را بده حلاله .
- خر بغلو بیا نماله !
(همه می خندند)
- خرس عرض شود این کف دست سرکار
از این پائین تا بالا
درست مته خیابونای تهر ون
ترک ترک خورده و خط خط شده
سرتاسرش یه تیکه صاف و تمیز نداره .
- میمون تیکه صاف و تمیز
تو دست اون چیکار داره ..؟
- خرس ... پس کجاست ؟
- میمون اون طرف !
(خاله سوسکه و موش بالای پلهها در حال رقص هستند)
- روباه مرحبا ..! مرحبا !
- خرس این خاله سوسکه ما
چه خوشگله خدایا !
- میمون اتل و متل ... چه خیطه
ترشی خوبه یا لیتنه ؟

البتہ لیٹہ لیٹہ .	خرس
کت خوبہ یا شلیتہ ؟	روباه
معلومہ خوب ، شلیتہ .	خالہ
این دل صاب مردہ من باز دوباره دنبال چشمش میره	خرس
دنبال قلش میره	روباه
دنبال خالش میره .	اسب
این شکم گر سنہ ام ...	سگ
... کارد بخوره باون شکم !	میمون
هی داره مالش میره .	سگ
کمرش باریک است	خرس
تی تی تاک تیک تیک است .	روباه
شلیتہش ہم شیک است	بز
هر چی هست آنتیک است .	روباه
چی چی ؟ آنتیک ؟ بابا میدزدنش !	سگ
ای بابا مگہ از عتیقہہای تپہ مارلیک است ؟!	میمون

خر	واخ و اخ ، دندونشو بین
همه	این چرا کجه ؟ کی میگه کجه ؟
خر	این واسه خراطی خوبه .
سگ	این واسه عطاری خوبه
شتر	واسه نمدمالی خوبه
بز	چطوره فوری بریم یه چینی بند زن بیاریم ؟
خر	چی میگگی ، تو شهر قصه چینی بند زن کجا بود ؟
سگ	پس بریم یه پینهدوز خبر کنیم .
فیل	آخه این عاجه عزیز دل من ، گیوه که نیست ! پینهدوز میخوام چیکار ؟ (خر و خرس درگوشی با هم صحبت میکنن)
خرس	پس یه نجار بیاریم نجارها اره دارن ، اره برنده دارن ، میندازه اون یکیم از ریشه بیرون میاره .
فیل	چی چی ؟ شوخی میکنین !
خرس	نه برادر چرا شوخی بکنم ؟ آخه این شد دندون ؟
خر	داشم بچه نشو ،

بذار این دندون بیریخت و کج و مضحک رو
از دهانت بکنیم .

فیل
چی میگی مرد حسابی؟!.. این عاج
اینکه دندون کج و مضحکيه
جون من ... جون شما ... جون همه
صد تو من میخریدنش نمیدادمش !

خر (به خرس نزدیک میشود)

بیا اینجا ببینم ... راست میگه و ا
دندونش سر بالاست
کج و کوله است ...

خرس ... ولی بی همتاست

خر جون میله برای یه دسته چپق .

فیل وای که مردم از درد !

خرس خوب چرا داد میزنی ؟ عیب نداره .

اگه دکتر نداریم
خر خراط که داریم

روباه همین الان مته برق
دندوناتو میکنه دسته چپق

فیل ای وای مردم ، چه کنم !?

همه بشکن و راحتش کن .
خوشگلو مقبولش کن .

خرس بشکن بشکنه

همه زود باش !

فیل دندون منه !

همه زود باش

فیل من نمیدارم .

همه یاالله !

فیل عاج صد تومنه !

همه یاالله !

(همه گرد فیل حلقه میزنند ، عاج دیگرش را هم می‌برند و روی سرش کار میگذارند)

گوینده بله بچه‌های نازنین من

دندونای فیل هر دوکنده شد .

(همه از اطراف فیل پراکنده میشوند)

خر آخه فیل شاخ نداره

فیل که بی دندون نمیشه

اسب من میگم خرطومشم زیادیه

سگ

آخه این دماغ نشد
این شیلنگه بخدا .
(روباه جلو میرود)

روباه

آقایان برن کنار
آقایان برن کنار
بنده از لحاظ علم الایمان
باید از بینی این مرد غریب
با چنین هیئت بد قواره بد ترکیب
دو سه تا نمونه برداری کنم .

فیل

چی آقا ، نمونه برداری ؟ از دماغ من ؟

شتر

ای بابا غصه نخور
تازشم خیلی بخواد
از دماغت بکنه
پیش این دماغ گنده چی میشه
واسه شما چه تاثیری داره ، بدرد اون چه میخوره ؟

فیل

بله البته درسته کاملاً .
وئی خوب
آخه این نمونه برداری لابد درد میاره .

سگ

نه بابا درد چیه ؟

خر

مته آمپول میمونه
تا بیای حالت بشه کار تمومه جون تو ،

فیل	حالا حتما باید از دماغ من نمونه برداری کنین ؟
سگ	بله البته ...
فیل	... چرا ؟ بیخشین ها .
سگ	یه نمونه ش مال انگشت نگاریست آقا . (خر زیر پای فیل میشیند و خرطوم او را میبرد) یکی هم برای سوء سابقه است واسه تعیین هویت دو نمونه لازمه .
روباه	واسه تحقیق در علم الایان سه نمونه لازمست
اسب	انقدم بدین بهمن . ممکنه یه روز بدردم بخوره .
شتر	انقدم به بنده الثفات کنین .
فیل	اوه قابل نداره (اما دیگه از خرطوم چیزی باقی نیست تا بهشتر بدهد)
گوینده	هیچی تا بالاخره ، فیل بدبخت یه چیز دیگه شد یه چیز تازه ... یه حیوون عجیب که رو کله ش دو تا شاخ سبز شده بود . دیگه از خرطوم و عاجش اثری باقی نبود شده بود مثل یه گاو .

اما راستش چی بگم

گاو گاوم که نبود

یه چیزی بود هشلهف یه چیز بی سروه

خلاصه هرچی که بود فیل نبود

(خارج میشود)

(مردم شهر هم یکی یکی خارج میشوند . فیل هم بدنبال آنها بیرون
میرود . خر تنها می ماند . ماسک خود را بر میدارد و بطرف میمون که از
طناب پائین می آید پیش میرود . قیافه اش رنج دیده و غمگین است .
قلم و کاغذی بدست میمون میدهد تا برایش نامه ای بنویسد . میمون
مشغول نوشتن میشود)

(که چندی ب فکر فرو رفته است بخود میاید)

خر

آره ... داشتیم چی میگفتیم ..؟. بنویس :

مارو دیوونه و رسوا کردی ... حالیته ؟

مارو آواره صحرای کردی ... حالیته ؟

آخه مام واسه خودمون معقول آدمی بودیم

دستکم هرچی که بود آدم بی غمی بودیم ... حالیته ؟

سر و سامون داشتیم

کس و کاری داشتیم

ای دیگه ... یادش بخیر !

ننه مون جورابامونو وصله میزد .

مارو نفرین میکرد .

(با تبسم)

بابامون خدا بیامرز

سرمون داد میکشید

بهمون فحش میداد

(میخندد)

باکمر بند زمون اجباریش پامونو محکم می بست

ترکه های آلبالورو کف پامون میشکست ... حالیه ؟

(آه میکشد)

یاد اون روزا بخیر

چون بازم هرچی که بود

سروسامونی بود حالیه ؟

فنه ای بود که نفرین بکنه

بعد نصفه شب پاشه لحاف رو آدم بکشه

که مبادا پسرش خدا نکرده بچاد

که مبادا نور چشمش سینه پهلو بکنه ... حالیه ؟

(مکث با لبخندی محزون)

بابائی بود که گاه و بیگاه

سرمون داد بز نه

باهامون دعوا کنه

پامونو فلک کنه .

بعد صبح زود پاشه مارو تو خواب بغل کنه

اشکهای شب قبلو که روی صورتمون ماسیده بود ،

کم کمک با دستای زبر خودش پاک بکنه ... حالیه ؟

(مکث . آه میکشد)

میدونی .

بابامون چند سال پیش

عمر شو داد به شما .
 هر چی خاڪ اونه عمر تو باشه ،
 مرد زحمتكشی بود ...
 خدا رحمتش كنه .
 ننه هم كور و زمين گير شده
 ای ديگه پير شده
 بيچاره ... غصه ما پيرش كرد
 غم رسوائی ما كور و زمين گيرش كرد حالينه ؟
 اما راستش چی بگيم ،
 تقصير ما كه فبود
 هر چی بود زير سر چشم تو بود
 يه كاره تو راه ما سبز شدی
 مارو عاشق كردی
 مارو مجنون كردی
 مارو داغون كردی ... حالينه ؟
 آخه آدم چی بگه ، قربونتم ،
 حالا از ما كه گذشت
 بعد از اين اگر شبی ، نصفه شبی ،
 به كسونی مته ما قلندر و مست و خراب
 تو كوچه بر خوردی
 اون چشارو هم بذار
 يا افلا ديگه اين ريختی بهش نيگا نكن .
 آخه من قربون هيكلت برم

اگه هر نینگا بخواد اینجوری آتیش بزنه

پس باهاس تموم دنیا تا حالا سوخته باشه !

(نامه خود را که میمون برایش نوشته است از او میگیرد . گوینده ناگهان وارد میشود و او با شتاب نامه را در پشت سر پنهان میکند و ماسک خر را به سر میگذارد)

گوینده (وارد میشود) بچه‌ها سلام

دیگران سلام ... سلام

گوینده حالا شما چگونه ؟

مدرسه در چه حاله ؟

با درس و مشق چگونه ؟

هنوز چوئی حاله ؟

دیگران حاله ... حاله

گوینده حال مامان ، حال بابا چگونه ؟

سگ مامان میگه قبولم .

خرس بابام میگه محاله .

میمون بهم میگن درس بخون .

خر نکنه بشی دو ساله .

گوینده خوب بچه‌ها ، کی اسم این شهر قشنگ یادش هست ؟

سگ آقا ما بگیریم ؟

شتر	خانم ما بگیم ؟
روباه	نون و پنیر و پسته .
میمون	قصه ...
خر	... قصه قصه ...
دیگران	درسته ؟ .. درسته ؟
گوینده	معلومه که درسته . جایزه تون
سگ	یه یخچال ؟
خر	یه قوری ؟
میمون	رادیوی برق و باطری ؟
خرس	یه رختخواب نشکن ؟
سگ	ساعت ضد ضربه ؟
گوینده	نیچ ♦♦♦ نیچ ♦♦♦ نیچ ♦♦♦ یه قصه . یه قصه درسته . نه دست و پا شکسته .
دیگران	درسته . درسته .

آره بچه‌ها ،
 اون قدیما ،
 تو شهر ما ،
 یعنی تو شهر قصه ،
 يك خاله سوسکه‌ای بود .
 لپاش مته تربچه .
 دهن نگو ... به غنچه .
 چشم چی بگم ؟ ... به بادوم .
 که عین شب سیا بود .
 خلاصه خیلی ماه بود .
 مردم شهر که خوب بودن ،
 آروم و مهربون بودن ،
 ساده و بی ریا بودن ،
 بیغش و با صفا بودن ،
 تمومشون ... پیر و جوون ،
 يك دل نه صد دل عاشقش بودن . (مکث)
 سوسک سیاه خوشگل ،
 به روز صبح ،
 پیرهنشو تنش کرد .
 پیرهن سرخ گل‌دار .
 چادرشو سرش کرد .
 شلیته پوشید با شلوار .
 اتل و متل و آلوچه .
 پاشو گذاشت تو کوچه .

با صد تا عور و اطوار
اومد میون بازار
(گوینده خارج میشود - خاله سوسکه وارد می شود)

خرس سلام علیکم آجی خانوم !
بفرمائید .

حال شما چطوره ؟

خاله سلام و درد پدرم .
خاڪ به گورم ... خاڪ به سرم .
چه حرفا ؟

چلاق بشی ایشاله !

نزا کتم خوب چیزیه

خجالتیم خوب چیزیه

نه واله !

خرس آجی خانوم ببخشید
اگر جسارتی شد .

بنده فقط عرض ادب نمودم .

خاله خوب آخه خرس گنده ،
آجی خانوم نشد اسم !

خرس پس چی بگم سیا چشم ؟

خاله چه پررو !

خرس سفید رو ... سیه مو ؟

همه سفید بخت ... سیه دل !

خاله یه اسم خوب و خوشگل .

یه اسم بگو که اسم باشه .

جادو کنه طلسم باشه .

به رنگ گندم بیاد .

به چشم بادوم بیاد .

صدام کنی خوشم بیاد .

بهار بشه نسیم بیاد .

خرس نگو نگو دلم رفت !

این دل غافل رفت !

خاله نیگام بکن چه ماهم .

با چشمای سیاهم .

دهن دارم ...

دیگران ... یه غنچه !

خاله ابرو دارم ...

دیگران ... کمونچه !

خاله قدم بین ...

دیگران ... بلند !

خرس گیسم بین ...

دیگران ... کمند !

- خرس تو که منو شیدا کردی .
- خرس خوبه منو پیدا کردی .
- خرس تو که منو رسوا کردی .
- خرس قفل دلیم وا کردی .
- میمون اتل متل خلیفه .
- میمون کیسه خوبه یا لیفه ؟
- خرس چطوره بگم ضعیفه ؟
- خاله چشم نخوری الهی .
- خاله با اینهمه سلیقه !
- خرس پس چی بگم فدایت ؟
- خرس فدای خاڪ پایت !
- خاله میتونی بگی عزیزم .
- خرس عزیزم .
- خاله امیدم
- خرس امیدم
- خاله قشنگم ... ملوسم .
- خرس ملوسم قشنگم .
- خرس امیدم عزیزم
- خرس بیا دورت بگردم .

به قربونت بگردم .	
ملوسم .	دیگران
بذار لبنتو بیوسم .	خرس
بلورم .	دیگران
بذار سرتو بجورم .	خرس
عروسم ... قشنگم .	
عروس شوخ و شنگم .	
تو مال من میشی ؟	
استغفراله !	خاله
عیال من میشی ؟	خرس
اوه ... اوه ...	دیگران
... واه واه !	خاله
میدونی چیه ؟	
عزیزم !	خرس
میدونی چیه ؟	خاله
امیلم !	خرس
من زن هر کس نمیشم .	خاله
هر کس و ناکس نمیشم .	

خرس	ملوسم ... قشنگم .
میمون	اتل متل بی جنجال . جنگیر میخوای یا رمال ؟
خاله	نه جنگیر نه رمال .
دیگران	نه اون خوبه نه ایشون ، لعنت به هر دو تاشون .
خاله	نه جونم ، نه عمرم . من زن رمال نمیشم . کاری که رمال میکنه صبح تا غروب فال میگیره . داد میکنه . قال میکنه .
سگ	هی سر کتاب واز میکنه . ورد میخونه بو میکشه .
شتر	جن میگیره ، هو میکشه
خاله	بعد فال حافظ میگیره . تا نصف شب حال میکنه .
میمون	بس که مزخرف میبافه . آدمو بی حال میکنه .
خر	هرچی ستاره رو هواست ،

زیر لب آواز میخونه .

میمون

ماه‌ور و شهناز میخونه .

خاله

راه میره و قر میله .

میمون

هی همچین همچین میکنه

خاله

هی همچی همچی میکنه .

(همه باین آهنگ میرقصند)

هواکه روشن میشه .

چشاش رو هم میفته .

یواش یواش شل میشه .

روی زمین ول میشه .

نه جونم . نه عمرم .

منو بکشی بالا بری پایین بیای ،

من زن رمال نمیشم .

میمون

اتل و متل مطلا .

رمال میخوای یا ملا ؟

شتر

البته ملا ملا .

روباه

سلام علیکم سوسک سیا .

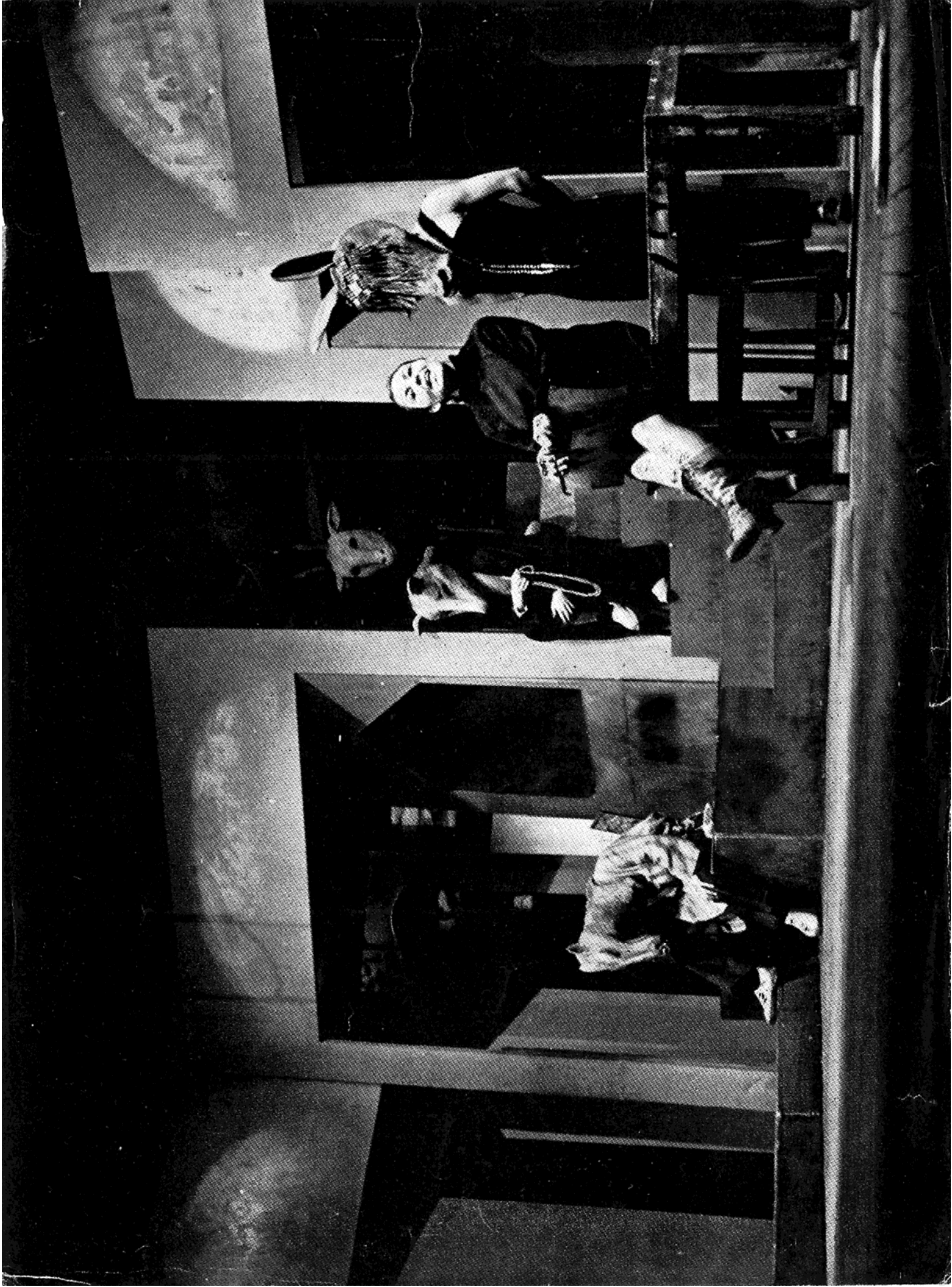
حال شما ؟

سلامتین ایشاله ؟

کسالتی ندارین ؟

والده تون چطورند ؟





رفع سلامتی شد ؟

خاله واه واه واه چه پرو !

بیره اون زبونت !

روباه قربون اون لبونت !

ابروهای کمونت !

خاله خودت بگو آملّا .

سوسک سیام همیشه اسم ؟

تربیتی ، نزاکتی ، خجالتت خوب چیزیه ،

نه واله ! .

روباه پس چی بگم ؟ خاله قزی ؟

خاله لال بشی ایشالله !

روباه تنبون قرمزی ؟

خاله کور بشی ایشالله !

روباه چادر زری ؟

خاله مریض بشی ایشالله !

روباه تو که منو رسوا کردی .

رسوا علی الله کردی

میمون اتل متل متینه .

رقیه یا سکینه ؟

دیگران	مال سبکتکینہ .
میمون	سلیمہ یا حلیمہ ؟
دیگران	مال ابو عبیدہ .
روباه	چطورہ بگم زبیدہ ؟
خالہ	ماشائللہ !
روباه	پس چی بگم ؟
خالہ	میتونی بگی عزیزم .
روباه	عزیزم
خالہ	امیدم ...
روباه	امیدم .
خالہ قشنگم	قشنگم ملوسم .
روباه	ملوسم قشنگم .
	امیدم ... عزیزم .
	قربانتیم الہی .
	کی تورو قشنگت کردہ ؟
	مست وملنگت کردہ ؟
خالہ	آتیش بجونت بگیریہ ولیم کن !
روباه	کی تورو ملوست کردہ ؟

کی تورو عروست کرده ؟

خاله خوره به زبونت بگیره ولم کن !

روباه جان دلم ، آخه چرا همچین میکنی ؟

هی منو غمگین میکنی ؟

دردمو سنگین میکنی ؟

فرار نکن عزیزم !

فرار نکن مامانم !

عروسم ، قشنگم .

عروس شوخ و شنگم .

تو مال من میشی ؟

خاله استغفراله !

روباه عیال من میشی ؟

دیگران اوه اوه ...

خاله واه ... واه !

میدونی چیه ؟

روباه عزیزم .

خاله میدونی چیه ؟

روباه مامانم

خاله من زن هر کس نمیشم .

هر کس و فاکس نمیشم .

روباه	امیلم ..! عزیزم !
میمون	اتل متل بی جنجال . روباه میخوای یا رمال ؟
خاله	نه روباه نه رمال .
دیگران	نه اون خوبه نه ایشون . لعنت به هر دو تاشون !
خاله	نه جونم نه عمرم . من زن ملا نمیشم .
روباه	چرا نمیشی ؟
خاله	والله نمیشم بالله نمیشم . کاری که ملا میکنه . لای درو وامیکنه . نیگا به بیرون میکنه . نیگا به اینجا ، به اونجا ، به اینور ، به اونور ، به پائین ، به بالا میکنه .
میمون	عباشو دولا میکنه . کنار باغچه میذاره .
سگ	کشک و بادمجون میاره . هی میشینه کوفت میکنه .

خر	نه يك تعارف ميكنه نه يك بفرما مييز نه .
خاله	بعد پا ميشه مياد بيرون با همسايه ... با صابخونه ، با خربوزه .. با هندونه ، شروع به دعوا ميكنه .
شتر	محشر كبرا ميكنه .
ميمون	آجان مياد ... پليس مياد .
شتر	سرباز با تفنگ مياد .
ميمون	تفنگ با فشنگ مياد .
شتر	فشنگ‌هاي قشنگ مياد .
ميمون	مستشار فرنگ مياد .
شتر	بيل مياد كلنگ مياد .
ميمون	شير مياد پلنگ مياد .
خرس	ميگيرنش ميبرنش كالانترى . بجرم فحاشى و آبروبرى .
سگ	وقتي كه افسر ميرسه ، سؤال جواب شروع ميشه ، از بيخ بيخ عرب ميشه ،

فریاد و غوغا می‌کنه .

خر همه‌چی رو حاشا می‌کنه .

خاله نه جونم ... نه عمرم .

منو بکشی ... بالا بری ، پایین بیای

من زن ملا نمیشم .

(گربه به هیئت درویشان وارد میشود)

گربه هو حق چاکرم من .

درویش ذاکرم من .

با خرقة قلندری .

با کشکول سلندری .

خاله واه ... واه ... واه

زهره‌مو آب کرد با ریشش .

قربون خدا با درویشش !

گربه سلام علیکم چادر زری .

تنبیون قرمزی .

غنچه دهن .

گل پیرهن .

گیس گلابتون .

ابرو کمون .

سوسک سیای قد بلند

دامن کوتاه .

گردن هما .

این شلیته ،

جان شما ،

میدونی چیه

چشم بادومی ؟

اسم بدنومی !

اتل متل تناهی .

خودت سوسك سیاهی .

بقربونت الهی !

شلیتهم مینی ژوپه .

چه خوبه !

برم قربون يك همچی شلیته .

نه بالاست نه پایین .

نه ترشی است ... نه لیته .

حالا از اون گذشته ،

آ درویش ،

با اون خرقة و كشكول ،

با اون ریش ،

با اون كَلَّةٔ بیموت ،

با اون یاحق و یاهوت ،

با اون دنبك و سزت ،

خاله

گر به

خاله

گر به

میمون

خاله

سگ

میمون

با اون ریش درازت .

نیگام کن

خاله

گنایه .

گر به

(گر به رو برمیگرداند)

سفیدی صورتم چون قرص ماهه .

خاله

دو زلفونم مثال شب سیایه .

دو دندونم طلایه .

دوتا عاشق دارم یکیش تو رایه .

شلیتتم که کوتایه .

دوتا یاری دارم یکیش سیایه .

خونهم میدون شایه .

دوچشم نر گست کار کجایه ؟

گر به

یا شیراز ، یا گرمون .

میمون

یا تبریز ، یا زنجون .

سگ

یا خلخال ، یا تهرون .

میمون

گمونم کار خَر اطای رشته .

خر

گمونم کار مرتاضای هنده .

خرس

گمونم کار نقاشای چینه .

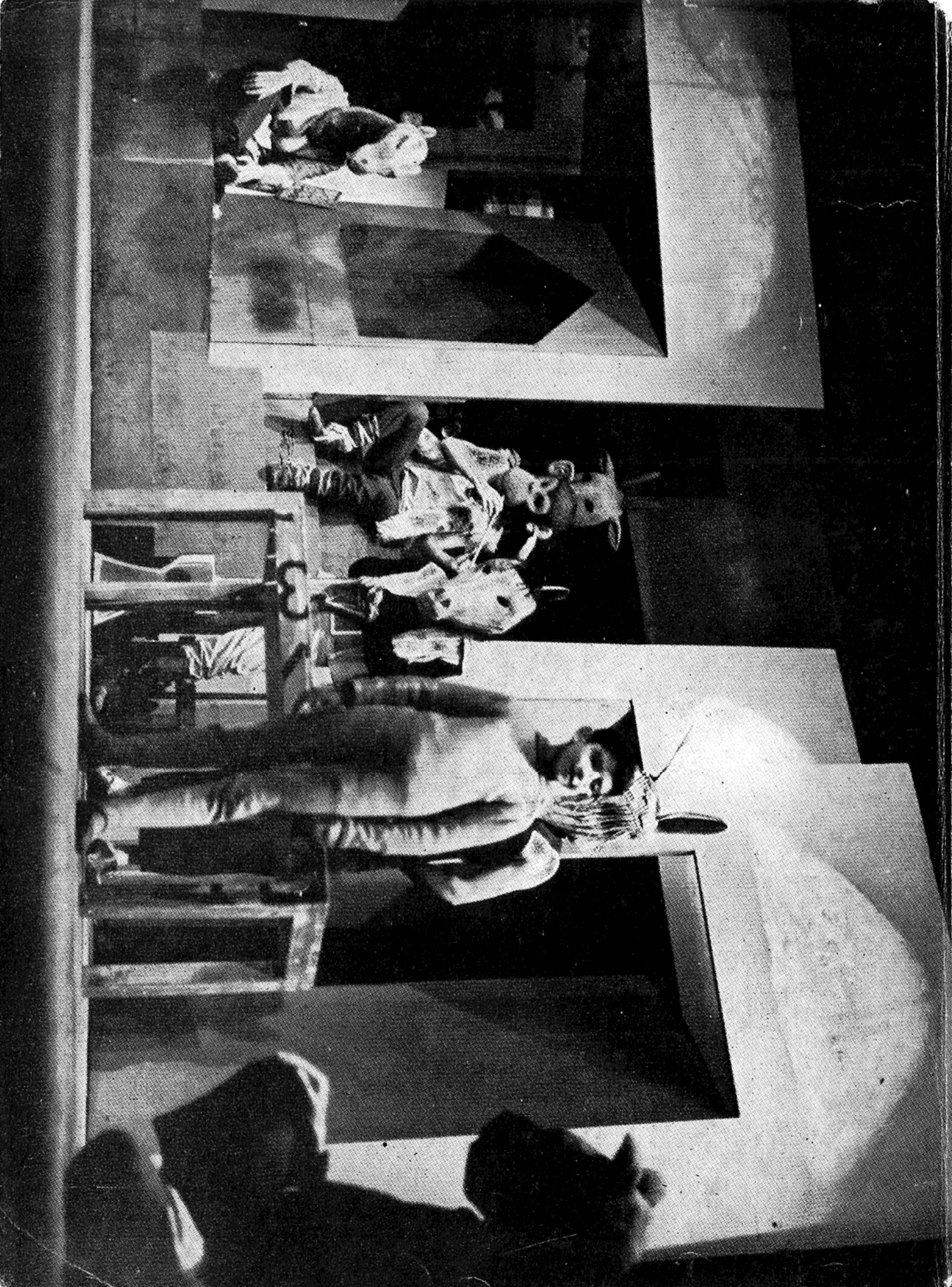
سگ

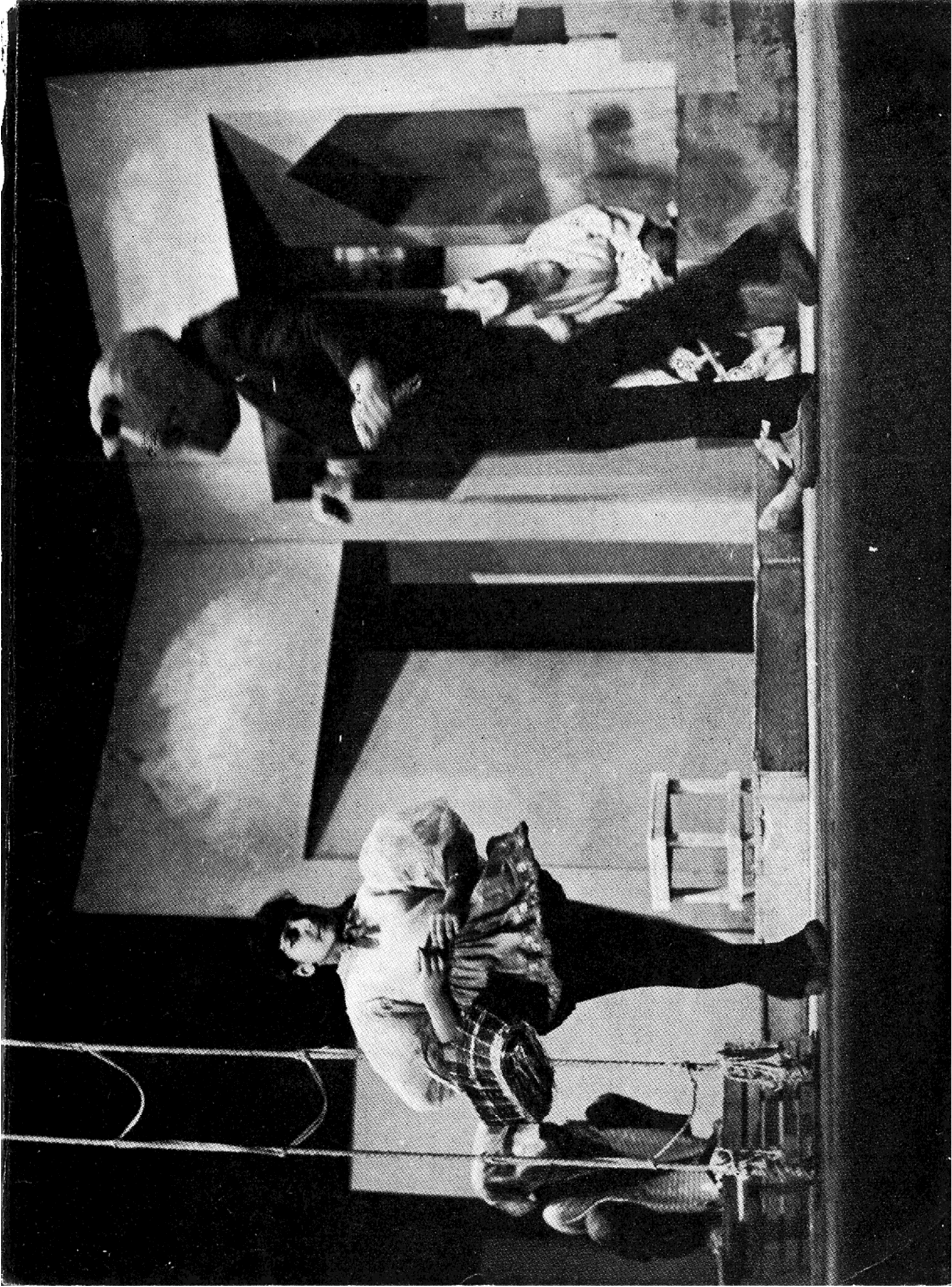
میگم کار زری بافای یزده .

بز

روباه	بینم کار ملاهای قم نیست ؟
سگ	یا شاید کار عطارای کاشون ؟
طوطی	یا کار باغبونهای فسایه ؟
میمون	نه جونم این دو تا چشمی که اینجاست ، یا کار لاله کارون بیابون ، یا آه مستای میخوندههایه .
خاله	نه جونم ، نه عمرم ، دو چشم نرگسم کار خدایه . دو تانومزد دارم یکیش گدایه . سه چارتا خواستگار دارم ...
دیگران	... ماشاالله !
خاله	یکیش خیلی بلایه . الان در شهر زیبا کد خدایه .
میمون	سر درویش عاشق بی کلایه .
خاله	یکیش رفته زیارت ، حالا در کر بلایه .
	یکیش يك شاعر چاق و شهیره .
میمون	زن شاعر نشو شاعر فقیره .
خاله	یکیش نقاش مشهور و هنرمند ،

خوراك نقاشا نون و پيره .	ميمون
يكيش ملاى بى لا .	خاله
كه خيلى با خدايه ؟	روباہ
از اون مرده خورايه .	خرس
يكيش رمال بى مال ، كه خيلى بى حيايه .	خاله
خداوندا ، خدايا ، چقدر اين خاله سوسكه بى وفايه !	خرس
يكيش يك آدم رند و زرنكه .	خاله
زن جنگير نشو بى احتياطى است ، هميشه چندتا از جناش تو رايه .	ميمون
يكيش آدم رند و زرنكه . كه از بس ناقلايه ، هم الان حاكم شهر فرنگه .	خاله
همون حاكم كه دارى تفنگه ؟ تفنگاش پرفشنگه ؟ فشنگاى دويست تن ؟ فشنگاى دويست ميليون مگاتون ؟	ميمون
فشنگاى عموسام ؟ براى پايتى‌هاى ويتنام ؟	خر





خرس	همون حاکم که اخلاقش سلیمه ؟
سگ	همون حاکم که حالاتش حلیمه ؟
روباه	که از اقوام شیطان رجیمه ؟
میمون	زن حاکم نشو حاکم حکیمه . ز بسکی مهر بونه ، در اموال همه عالم سهیمه .
خاله	یکیش چنگیز خانه .
میمون	که از آدم خورایه . همش در فکر جنگه .
خاله	یکیش تیمور لنگه .
سگ	جفنگه !
خاله	یکیش خاقان چینه که مردی نازنینه . حسابش با همه دنیا سوایه . فرستاده پی ام با ساز و آواز .
میمون	لابد همراه ده میلیارد سرباز . !
خاله	یکیش آغا محمدخان قاجار .
دیگران	کند هم جنس با هم جنس پرواز !

(موش بالای پله‌ها ظاهر میشود)

خاله
 مادرم زینب خاتون
 گیس داره قد کمون
 از کمون بلند ترک
 از شبق مشکی ترک
 پسوناش انار و به
 خیمه زده کنار ده
 به کس کسانم نمیده .
 به همه کسانم نمیده .
 براه دورم نمیده .
 به مرد کورم نمیده .

میمون
 به کی میده ؟
 خاله
 به کسی میده که کس باشه .
 قبای تنش اطلس باشه .
 خرس
 به مرد رمال نمیده ؟
 خاله
 نه که نمیده .
 روباه
 به شیخ و ملا نمیده ؟
 خاله
 نه که نمیده .
 سگ
 به مرد عطار نمیده ؟
 خاله
 نه که نمیده .
 خر
 به مرد خراط نمیده ؟

خاله	نه که نمیده .
میمون	ای بابا ... وقتی یارو دخترشو – حتی به ملا نمیده به ، خر بده؟! (موش باحالتی عاشقانه به خاله سوسکه نزدیک میشود)
موش	به من میله؟
خاله	سرکار عالی کی باشن؟...
موش	... عاشقم . عاشق بی دلیم من .
خاله	دلت کجاست؟
موش فنا شد . فنا ی اون چشا شد .
خاله	کدوم چشم؟
موش	همون چشم که خوابو برده .
خاله	کدوم خواب؟
موش	خوابی که ازم فرار کرد .
خاله	کجا رفت؟
موش	تو باغچه .
خاله	باغچه کجاست؟
موش	تو باغه .

خاله	كدوم باغ ؟
موش	باغی كه تو شهر رؤیاست .
خاله	رؤیا كجاست ؟
موش	تو خوابه .
خاله	كدوم خواب ؟
موش	همون خواب كه از چشم رفت .
خاله	كدوم چشم ؟
موش	همون چشم كه غرق آب شد .
خاله	كدوم آب ؟
موش	همون آب كه سیل آورده .
خاله	كدوم سیل ؟
موش	همون سیل كه اشك آورده .
خاله	كدوم اشك ؟
موش	همون اشك كه از چشم ریخت .
خاله	كدوم چشم ؟
موش	همون چشم كه غرق خونه .
خاله	كدوم خون ؟

موش	همون خون که از دل اومد .
خاله	کدوم دل ؟
موش	دلی که اسیر زلفه .
خاله	کدوم زلف ؟
موش	زلفی که چو شب سیاهه .
خاله	کدوم شب ؟
موش	همون شب که تو چشاته .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که مست مسنه .
خرس	نگو که دلیم شکسته .
	(بغضش میترکد)
موش	همون چشم که پرشراهه .
خرس	نگو که دلیم کبابه .
موش	چشی که همیشه امیده .
خاله	امید کجاست ؟
موش	بر آبه .
	(به آهنگ روضه خوانی .)
روباه	نگو که حالم خرابه .

گریه کنین ... مسلمانون ...
گریه کنین ثوابه .

خر
روباه
قربون گریه ت برم .
هم اون شب اول قبر که موقع جوابه
هم روز محشر که حساب کتابه
ثواب این گریه بی حسابه .

میمون
روباه
بابا برو فکر نون باش .
گریه ملا آبه !
آخ باجی اون بچهره ساکت بکن .

شتر
روباه
نگو که دلم کبابه .
گریه کنین مسلمانون .
گریه کنین ... ثوابه .

میمون
خاله
خانوم خوشگله ، تو دیگه چته ...
... چیزیم نیست .

میمون
خاله
پس دیگه این اشگا چیه ؟
.... ملا میگه ثوابه .

میمون
روباه
وئش کن ،
ملا حالش خرابه !
دهن داره یه غنچه .

خرس
قربون اون دهن برم که غنچه ست !

روباہ

ابرو دارہ کمنوچہ .

خرس

لپاش مٹہ تریچہ .

موش

عزیزم ... امیدم

گریہ فکن سفیدابات پاک میشہ .

چشمای زیبای تو نمناک میشہ .

بیا بریم ... بیا بریم .

(موش دست خالہ سوسکہ را میگیرد و خارج میشوند . اہالی شہر ہم

یکی یکی خارج میشوند .)

میمون

(آواز میخواند)

میروی و مژگانٹ فتنہها می انگیزد .

میروی و میریزی خون خلق و میدانی .

خدا منو قربونت کنہ ایشالہ قربون چشمونت کنہ ایشالہ

کجا میری فلونی ترسم بری و بمونی

دین و دل بیک دیدن ، باختیم و خرسندیم .

دو قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی

خدا منو قربونت کنہ ایشالہ قربون چشمونت کنہ ایشالہ

کجا میری فلونی ترسم بری و بمونی

زاهدی بہ میخانہ سرخ روز می دیدم .

گفتمش مبارک باد بر تو این مسلمانی

خدا منو قربونت کنہ ایشالہ قربون چشمونت کنہ ایشالہ

کجا میری فلونی ترسم بری و بمونی

زلف و کاگل اور اتا بیاد میارم می نهم پریشانی بر سر پریشانی
خدا منو قربونت کنه ایشالله قربون چشمونت کنه ایشالله
کجا میری فلونی ترسم بری بمونی

(میمون از طناب خود بالا میروود صحنه تاریک میشود .)

پرده دوم

(مردم شهر قصه هر يك سرگرم كار خود هستند . صدای ابزار آنها با ریتم $\frac{6}{8}$ در زمینه ادامه دارد . گوینده از ضلع راست صحنه - بالای پله ها - ظاهر میشود و حین صحبت پائین می آید و وارد صحنه میشود)

بچه ها ... سلام علیکم

گوینده

حاز و احوال چطوره ؟

همه تون خوب و خوش و سلومتین ؟

درسهارو میخونین ؟

چی خانوم ؟ ... شما چه حرفا میزنین .

خرس

سگ
ما از اون صبح سحر تا بوق سگ
خیلی همت بکنیم ،
بتونیم دو تا کلوم انگلیسی یاد بگیریم .

گوینده
انگلیسی؟ واسه چی؟

خر
ای بابا معلومه خوب .

آخه ناسلومتی
مام باهاس نون بخوریم .
(گوینده با تعجب سرش را میخارد)

گوینده
من درست نفهمیدم ... ببخشین ها .
مگه نون تو شهر ما قحطی شده
که شما درستونو ول بکنین
صبح تا شب اینهمه زحمت بکشین
که بجای نون سنگک ... مثلا
نون تست انگلیسی بخورین ؟

میمون
نه خانوم ... حواس سر کار کجاست ؟
نون جوم از سر ما زیادیه !

سگ
آره قربون ، میدونین ،
ما داریم صبح تا غروب این در و اون در میزنیم
که یکی دو تا کلوم انگلیسی یاد بگیریم
بلکی روزی ، روزگاری ، کاری گیر بیاریم .

گوینده
آخه قربون ، مثلا حمالی ،
شوفری ، جارو کشی ، بقالی .

انگلیسی دیگه لازم نداره .

میمون

(به دیگران)

بابا گوینده مونم حالش خرابه جون تو !

(به گوینده)

شما الان خودتون

محض امتحان برین پهلوی خرس ،

بش بگین جناب رمال شما کلفت نمیخواین ؟

(گوینده لحظه‌ای تردید میکند و سپس به طرف خرس میرود)

آقا ... کلفت نمیخواین ؟

گوینده

والله راستش ... چی بگم؟... کلفت کلفت که نه خیر .
ولی خوب شاید یه کاریش بکنیم .

خرس

خیلی از لطف شما ممنونم ...

گوینده

.... میدونم .

خرس

خدا عمرتون بده انشالله

گوینده

انشالله .

خرس

بچه‌هاتونو ببخشه بهتون

گوینده

... انشالله .

خرس

خوب ، حالا همشیره ،

اگه زحمت نباشه بفرمائید ،

که شما گواهی کلفتی و دیپلم و مدرک دارین ؟

گوینده	اوه بله ... البته .
	اینهاش .. بینین
	(گواهی نامه های خود را یکی پس از دیگری بیرون می آورد و خرس یکی یکی آنها را با دقت واری می کند)
خرس	بینم ... گواهی آشپزی ..؟
گوینده	بله قربون ... اینهاش .
خرس	دیپلم خیاطی ... گلدوزی ؟
گوینده	اینهاش ... اینهاش .
خرس	دیپلم ماشین نویسی ...
گوینده	... اینهاش
خرس	خوب ، حالا گواهی نخریسی .
گوینده	اینهاش
خرس	حالا تصدیق ...؟
گوینده	... بله ، بفرمائین .
خرس	خوب ، حالا گواهی ...؟
گوینده	... بفرمائین
خرس	دیپلم ...؟
گوینده	... بفرمائید

خرس	... گواهی ...؟
گوینده	... بفرمائید
خرس	خوب اندازه ابعاد بدن :
	سینه ...؟
گوینده	... صد .
خرس	... دور کمر ...؟
گوینده پنج و سه چارم ...
خرس	... باسن ؟
گوینده	سینصد و شصت ...
خرس	... زیاد است!
روباه	... بابا اون با من !!
(خرس و روباه درگوشی با هم مشورت میکنند)	
خرس	راستی همشیره
	حضرت عثلیه
	انگلیسی بلدین ؟
گوینده	نه آقا ...
خرس	... نج ... نج ... نج .
	خیلی بد شد ...

گوینده

... د ... چرا؟ ...

خرس

خوب ، آخه مخالف قانونه

روباه

دختري كه انگليسي ندونه سكر تره

گوینده

خوب . پس مرحمت شما زياد .

(بر ميگردد)

خرس

حيف شد !. كلفت مطبوعی بود .

(آهي ميكشد و بجای خود مينشيند . گوینده به ميمون سر تكان ميدهد)

گوینده

مته اينكه ... ظاهرآ حق با شماست .

(ميمون سري تكان ميدهد و از طناب بالا ميرود)

بگذريم .

بچه‌های خوب من

حالا كم كمك بريم سراغ كار خودمون .

بر اتون گفته بودم .

كه در ايام قديم ،

ميون جنگل سبز ، لای درختان قشنگ ،

شهر با صفائی بود .

دور تادورش گل سرخ ،

روبروش كوه بلند ،

با چمن‌های وسيع ،

كه پر از شاپر كه .

اسم اين شهر قشنگ ،

شهر قصه بود ...

بچه‌ها

... یادتون نره .
 آره بچه‌های من .
 توی شهر قصه هم ،
 مته هر جای دیگه ،
 هر کسی یه کاری داشت .
 خره خراطی میکرد .
 اسبه عصاره میکرد .
 بزه بزازی میکرد .
 سگه عطاری میگرد .
 دارکوب نجاری میکرد .
 شتره نمدمالی میکرد .
 ولی از وقتیکه ،
 چیزهایی از قبیل کینگ
 دیگه کم کمک می افتاد از مد ،
 دیگه حتی چوپونام ،
 جای اون کلانمدی ، شاپو میذاشتن سرشون ،
 شتر از ناچاری ،
 برای مردم شهر قصه نقالی میکرد .
 جغد نقاشی میکرد .
 غم تنهایی شو ،
 جای تابلو قاب میکرد .
 طوطیه شعر میگفت ،
 تو مجله چاپ میکرد .
 خرسه رمالی میکرد .

روباه ملا شده بود ،
 بچه‌هارو درس میداد .
 قاطره نعلبندی میکرد .
 مورچه هم رون ملخ را برمیداشت ،
 از وسط نصف میکرد .
 نصفشو میداشت تو يك ظرف قشنگ ،
 واسه حضرت سلیمون میبرد .
 نصفه دو مشم شخص خودش نیش میکشید .
 یعنی تا موقع شام يك کمی ته‌بندی میکرد .

(در تمام طول گویندگی همه حیوانات جز میمون سخت از روی کتاب
 دارند انگلیسی می‌آموزند . روباه و خرس در جهت عکس یکدیگر در
 امتداد صحنه راه میروند و لغت از بر میکنند . روباه در این لحظه
 به گوینده نزدیک میشود و حرف او را قطع میکنند)

روباه اکسیوزمی^۱ ... یعنی معذرت میخوام .

گوینده (به تماشاگر) با اجازه ...

(به روباه)

... چیه قربون چی شده ؟

روباه پول خرد اگر دارین

دوقران یا سه قران

تحت عنوان قرض الحسنه

تا شب جمعه به من لطف کنین .

گوینده

(خجالت زده و دستپاچه)

واله ... بی رودرواسی

جیب ما پاکتر از ریش شماست

(کیف خود را می گشاید و بداو نشان میدهد)

دریغ از یک پاپاسی

روباه

ریلی ؟... ایمپاسیبل^۱ !

میمون

(جلو می آید به روباه)

آخه مای دیر ... یوسی^۲ ؟

پنیر سیری دو عباسی
وا میداره به رقاصی

نون چارکی سه عباسی
آدم مفلس را چو من

بز

اکبری به به میکنه
میخوره و اه اه میکنه
چون سگه له له میکنه
چادر نماز کرباسی ؟

شب که میرم توی خونه
قاقا میخواد نلوش میدم
ز یکطرف عیال من
میگه تا کی سر بکنم

میمون

پنیر سیری سه عباسی
وا میداره به رقاصی

روغن سیری چهار عباسی
آدم مفلس را چو من

بز

گشنشه عر عر میزنه
گهواره را سر میزنه
سرسی است و دسی دسی

فاطمی میون گهواره
مادر بچه ها میره
می بینه فاطمی مشغول

1 - Really ? ... Impossible !

2 - ... my dear , you see

میمون شیر چارکی چار عباسی
بچه رو توی گهواره
شکر سیری سه عباسی
وا میداره به رقاصی

خر خوبه که بنده هم برم
یا بروم تو سینما
مدتی دکتری کنم
هر شبه آکتوری کنم
مشق رژیسوری کنم
یا بکنم رودر واسی ؟
اگر که آکتوری نشد
چرا خجالت بکشم

میمون یونجه سیری سه عباسی
آدم مفلس را چو من
جو چارکی چار عباسی
وا میداره به رقاصی

گوبنده کبریت یکی یک عباسی
قند سیری سه عباسی
جارو یکی دو عباسی
روغن سیری چار عباسی
کالك منی شش عباسی
هیزم منی پنج عباسی

میمون مؤمن پیر و سواسی
آدم لاتو راس راسی
حموم میره ده عباسی
وا میداره به رقاصی

گوبنده بگذریم .

قورباغه غواصی میکرد .

میمونه رقاصی میکرد .

(خاله سوسکه با سبدی که پر از میوه است از خرید باز میگردد .

مقابل دکان عطاری می ایستد . سگ مدتی باو خیره میشود و بالاخره

جنس مورد نیاز را میپيچد و با حواس پرتی بدستش میدهد .)

خاله سوسکه که دیگه معلومه ،

این وسط نازی میکرد ،

دل مردمو میبرد ،

باهاشون یه قفل دو قفل بازی می‌کرد .

خاله (سر برمیگرداند و به گوینده چشم‌غره می‌رود)

آره تا چشم حسود بنتر که !

گوینده (می‌خندد)

دیگه کی مونده ؟... بله .

روی يك درخت بيد ، شونه بسر نشسته بود ،

سرشو شونه می‌کرد .

ماره آبستن بود ،

هوس پونه می‌کرد .

سر چارسوق یه پلنگ مغازه کبابی داشت .

گوشت‌های تازه و شیک می‌آورد ،

همه‌رو با پرمنگنات می‌شست .

زیر ناخن‌هاشو

با یه مسواک بزرگ ،

کاملاً ضد عفونی می‌کرد .

آتش منقلشو تیز می‌کرد . روباه

چشاشو ریز می‌کرد . گوینده

با نگاه مهر بونی بصف مشتری‌ها خیره میشد .

مینگریست ! روباه

خیره میشد ! گوینده

	مینگریست !	روباه
	خیلی خوب مینگریست .	گوینده
	بله .	روباه
	هیچی ، گوشتهارو آنچنان کباب میکرد ، که دل هر وجنارین از اون آب میشد	گوینده
	آقا نوبت منه .	روباه
	آقا نوبت منه .	خر
	آقا نوبت منه .	سگ
	بعد وقتی که کباب کاملا حاضر و آماده میشد ، همشو خودش میخورد . (صدای خرنااس پلنگ و هممه و کتک خوردن سگ)	گوینده
	موشه طفلکی فقط کاری نداشت ، آخه عاشق شده بود .	
دل ای دل ای دل دل ای دل ای دل دل ای دل ای دل دل ای دل ای دل	تو مارو دیوونه کردی خونه‌مو ویروونه کردی تو مارو آواره کردی تو مارو بیچاره کردی	موش
	من از اون چشا میترسم . من از اون لبا میترسم .	

از اون دو تا چشم سیا میترسم. میترسم، میترسم، میترسم ،

آی به خدا میترسم .

هی اون چشارو توو بده .

هی خودتو تلو بده . ایطو اوطو ایطو اوطو ایطو اوطو بده .

هی دلمو الو بده ،

با چشمت ، با چشمت ، با چشمت .

با چشمت ، با چشمت ، با چشمت .

خونه مو خراب کردی .

خونهت خراب ای دل .

خوفت خراب ای دل .

چشمو پر آب کردی .

چشت پر آب ای دل .

دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل

دلمو کباب کردی ،

دلت کباب ای دل .

دل ای دل ای دل ای دل ای دل .

دل ای دل ای دل ای دل ای دل .

تو مارو دیوونه کردی

خونه مو ویروونه کردی

تو مارو آواره کردی

تو مارو بیچاره کردی

(خارج میشود)

آره بچه های من .

یادتون هست هفت هشت سال پیش از این .

گوینده

به روزی تنگ غروب
 فیل او مد به شهر ما ، .. یعنی کجا ؟
 یعنی شهر قصه‌ها .
 مردم شهر همه مشغول کارشون بودن .
 فیل او مد تموشا کنه ،
 افتاد و دندونش شکست .
 همه مردم شهر ،
 دورفیل جمع شدن .
 اما افسوس ... در این شهر قشنگ ،
 نه کلینیکی بود ،
 نه دواخونه نه بیمارستان .
 تا برن دندون فیلو سر جاش کار بذارن .
 مردم شهر که خیلی خوب بودن ،
 ساده و مهربون بودن ،
 دلشون خیلی سوخت ،
 اون یکی دندون فیلم کردن ،
 کار گذاشتن رو سرش .
 بعد خرطومش از بیخ بریدن ... به حساب ،
 خواستن فیله رو خوشگلش کنن .
 (گوینده خارج میشود)

فیل خیلی از لطف شما ممنونم .

خر میدونم .

فیل بنده از این همه لطف راستی راستی که خجالت میکشم .

خر	اصلاً حرفش رو نزن . این چیزاً تو شهر ما معمولیه .
طوطی	شهر ما به شهر ایده آلیه .
فیل	آره ... خیلی عالیه .
میمون	مردمش مردمدار . همه خوب و مهر بون . چشمشون در انتظار مهمون !
شتر	همه پاك و بی ریا ، همه در صلح و صفا .
بز	ما تو این شهر قشنگ یه دونه ملا نداریم .
خر	دزد و جیب بر نداریم .
میمون	شاعر پفیوز و جلمبور نداریم .
طوطی	رمال مفت خور نداریم .
روباه	حاجی نزول خور نداریم .
خر	خوب داداش دیگه کاری نداری ؟
بز	دیگه چیزی نمیخوای ؟
فیل	خیر قربان شما .
سگ	نکنه به وقت تعارف بکنی ؟

بهتون بر نخوره .

(به دیگران)

توی این شهر فقط يك خر هست ،

که اونم چاکرته !

(به فیل)

گوش کردی داشم ؟

اگه يك وقت هوس کردی که با این دو تا شاخ

چپقی ... قلیونی ،

قاب عکسی چیزی درست کنی ،

صاف میای پیش خودم .

جون تو شاخهای نابی داری .

آقا این عاجه ...

فیل

... آره معلومه .

خر

ما که گفتیم شاخ خوبی داری .

جنسش از عاجه .

عاجشم ای بدنیت ،

روباه

خوب فقط قدری کج است .

چطوره بدیم به خراط که صافش بکنه ؟

سگ

میخواهین روش گل و بتّه بندازم

خر

یا باهاش دسته چپق درس کنم ؟

آقا معذرت میخوام ... اگر جسارت نباشه ،

فیل

بنده میخوامم از شما تمنا بکنم

که اگر موافقین

بذارین این دو تا شاخ همینجوری کج بمونه .

بابا ای واته ، تو هم خیلی الاغی بخدا !

خر

(می رود)

خوب ، پس جنابعالی فیلین ؟

خرس

بله قربان فیلم .

فیل

خیلی هم ،

از ملاقات شما خوشوقتم .

این یارو چرند میگه .

خر

مثلا میخوااد به ما برگ بزنه .

یکی نیست بهش بگه

بعد چل سال گدایی ما دیگه

شب جمعه یادمون هست داداش !

نه آقا جان شما

فیل

بنده فیلم به خدا .

من همون بدبختم

که شماها خودتون

دورهه جمع شدین

خیلی زحمت کشیدین

منو خجالت دادین

دندونامو کندین

کار گذاشتین رو سرم

بعدهم خرطوممو
که به اون قشنگی بود
منه کالباس بریدین ... اگه نه
من بدبخت همون فیلم ، فیل !

(همه و خنده دیگران)

خرس
که شما فیل هستین ؟
خوب آقا ،
ممکنه بفرمایین ،
مدرکی ، قباله ای .
سند مستندی همرا تونه ،
که به مانشون بده جنابعالی فیلین ؟

فیل
نه جونم .
من بدبخت بی دندون اومدم
دیدن پسر عموم .
به حساب
اومدم مهمونی .
خوب آدم وقتی میره مهمونی
سند و شناسنامه نمیخواه .
دیدن پسرعمو قباله لازم نداره .

میمون
نه برادر چی میگی ؟
راس راسی دلت خوشه ؟
توی این دور و زمونه هر جا ... هر گوشه ای

اگه آب یخ بخوای کوفت کنی ،
باهاس اول سند و معافی و عکس و سجل نشون بدی !
(همههه و خنده - روباه با موتورسیکلت وارد میشود)

آقایان برن کنار . روباه

آقایان برن کنار .

(به فیل)

خوب برادر حالا تعریف بکن .

چی شده ؟ عیال سرکار کجاست ؟

کی میخوای

صیغه طلاقو جاری بکنم ؟

چی ؟ طلاق ؟ فیل

بله خوب ، معلومست . روباه

من در این کار تخصص دارم .

بخصوص طلاق سرکار که جای خود دارد .

یک چنان صیغه پرسوزو گدازی بخوانم ،

که همینجا بشینی

های های گریه کنی .

اوه نگو ، بنده همین الساعه خرس

داره گریه ام میگیره .

باچی جان گریه نکن . روباه

(به فیل)

خوب حالا بفرمایین

چه مدل طلاق لازم دارین ؟

چی چی فرمودین ...؟

فیل

... هیچی جانم .

روباه

چرا دستپاچه شدی ؟

خوب آخه طلاق چندین مدل است .

میخوایین طلاق رجعی بدهید ،

یا طلاق خلعی ؟

نوع اول به کمی خرج دارد .

ولی البته دوامش خوب است .

جنسش مرغوب است .

واسه سرکار استثنائاً

پانزده درصد تخفیف میدیم ...

... دست شما درد نکنه .

روباه

نوع دوم که طلاق خلعی است ،

فیل

خیلی خاصیت دارد .

واسه رودل خوبه ؟

سگ

بیسواد احمق !

روباه

تورو میگن عطار !

بگذریم .

نوع سوم که خودش شش مدل است .

خیلی خوب و خوشگل است .

فیل	آخه من ...
روباه	... گوش بده حرف نزن . آخ آقا
خر	از طلاق نوع سوم چی بگم ؟ نوع سوم دیگه محشر میکنه . قربان نوع سومش .
روباه	نوع سوم سه طلاقه است آقا که دیگه بی محلل همیشه کاری کرد .
خرس	آخ نگو جگرم میسوزد !
سگ	نوع سوم خوبست !
خر	نوع سوم عالیست !!
روباه	آقاجون ، توی این شهر قشنگ ، بہتر از بنده محلل دیگه پیدا نمیشه .
خرس	گوش کن چی بہات میگم . شما ہر ثانیہ ، ہر دقیقہ یک محلل خبرہ بخوای یہ خبرہ بہ من بده دیگہ کاریت نباشہ .

روباہ

برو گمشو بیسواد
خرس محلل نمیشہ !

فیل

آقاجون
بنده اصلا نہ عیالی دارم
کہ بخوام طلاق بدم ،
نہ اصولا اگہ زن داشته باشم طلاق میدم ،
کہ بخوام بر اش محلل بگیرم !

روباہ

عجبا .. عجبا !
حیرتا .. حیرتا !
(آہستہ تر با فیل)
خود من محلل شبانہ روزی ہستم
با جواز رسمی شماره ہشتصد و بیست .
ہمہ جور سفارشات ،
در تمام ساعات ،
ہمہ در اسرع وقت ،
طبق آخرین متد ، توسط خبرہ ترین محللہا قبول میشہ .

خر

راس میگہ جون شما .
خود بنده یہ عیالی داشتہم .
منہ یہ دستہ گل .
کہ ہمین آقا واسم عقدش کرد .
بعدشم انقدہ زیر پام نشست ،
تا طلاقش دادم .

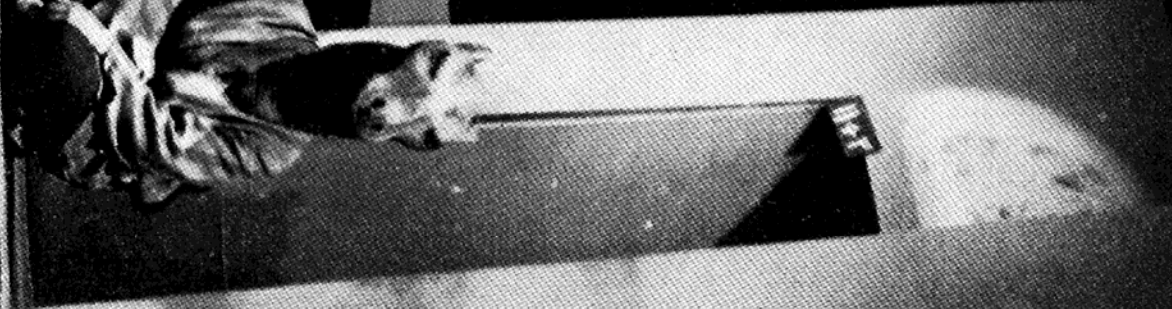
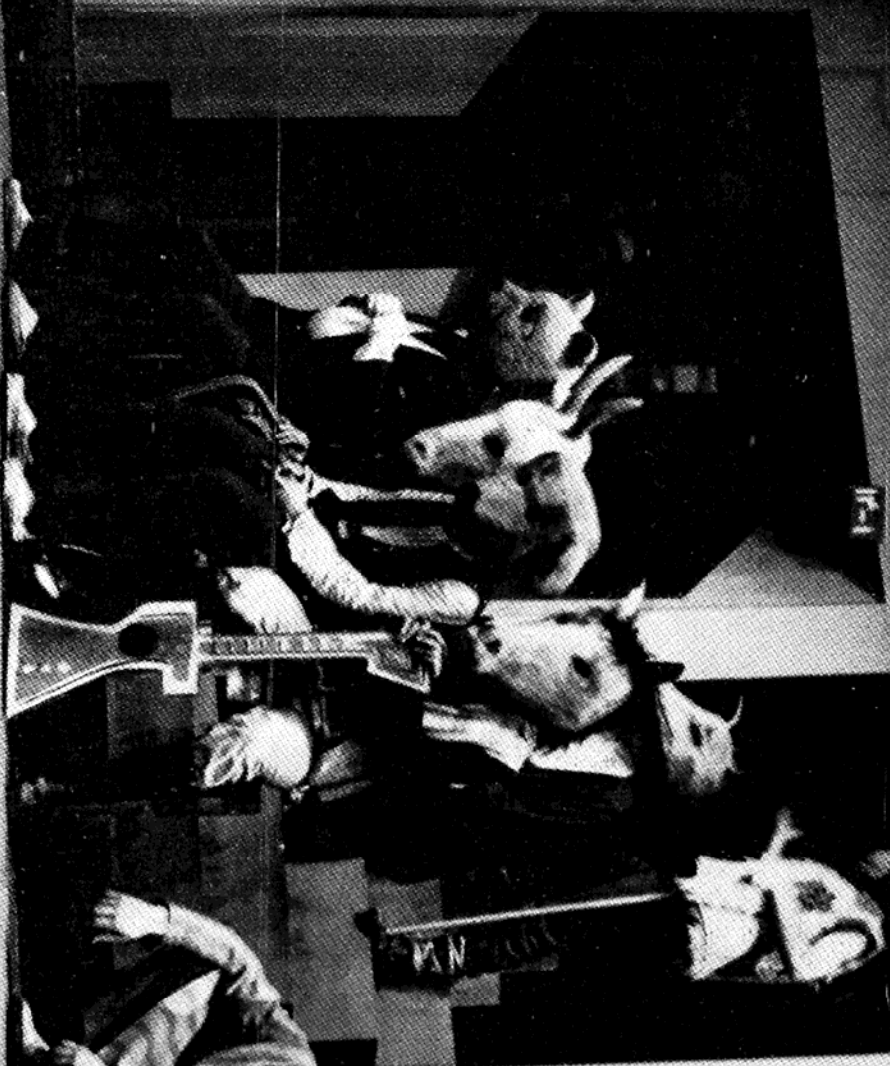
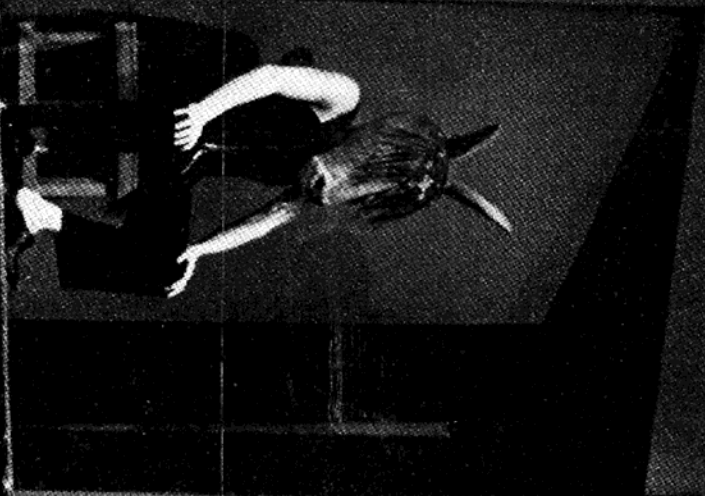
دو سه روز بعد اومد واسطه شد ،
که من و عیالمو آشتی بده .
انقده گفت که ما خام شدیم .
این آقام فی المجلس
صیغه عقدمونو جاری کرد .
من بدبخت دوباره شوهر زنم شدم .
سرتو درد نیارم ،
تا حالا سی دفه ایشون واسه من
زنمو عقد کرده ،
دوباره طلاق داده !

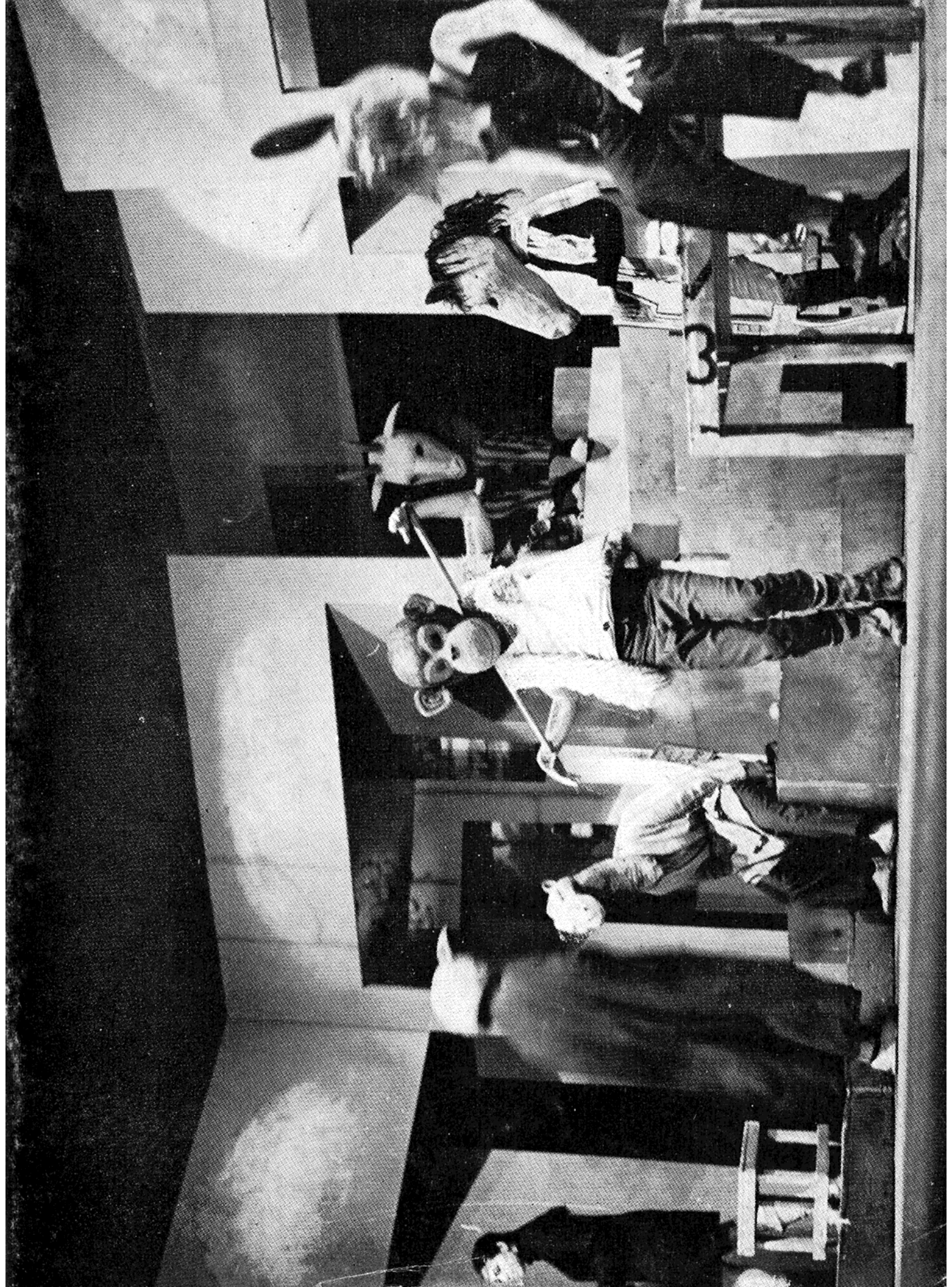
اوه بله ، یادم هست .
بنده يك دوره استاژ میدیدم .
یه کسی لازم بود ،
تا خود من عملا مباحث علمی را
روش تمرین بکنم .
فکر کردم که تو این دور و زمونه چه کسی
ممکنه زن بگیره ؟
دیدم از خر بهتر شوهر پیدا نمیشه .
یعنی خوب ، وقتی آدم خر نباشه
دیگه شوهر نمیشه .

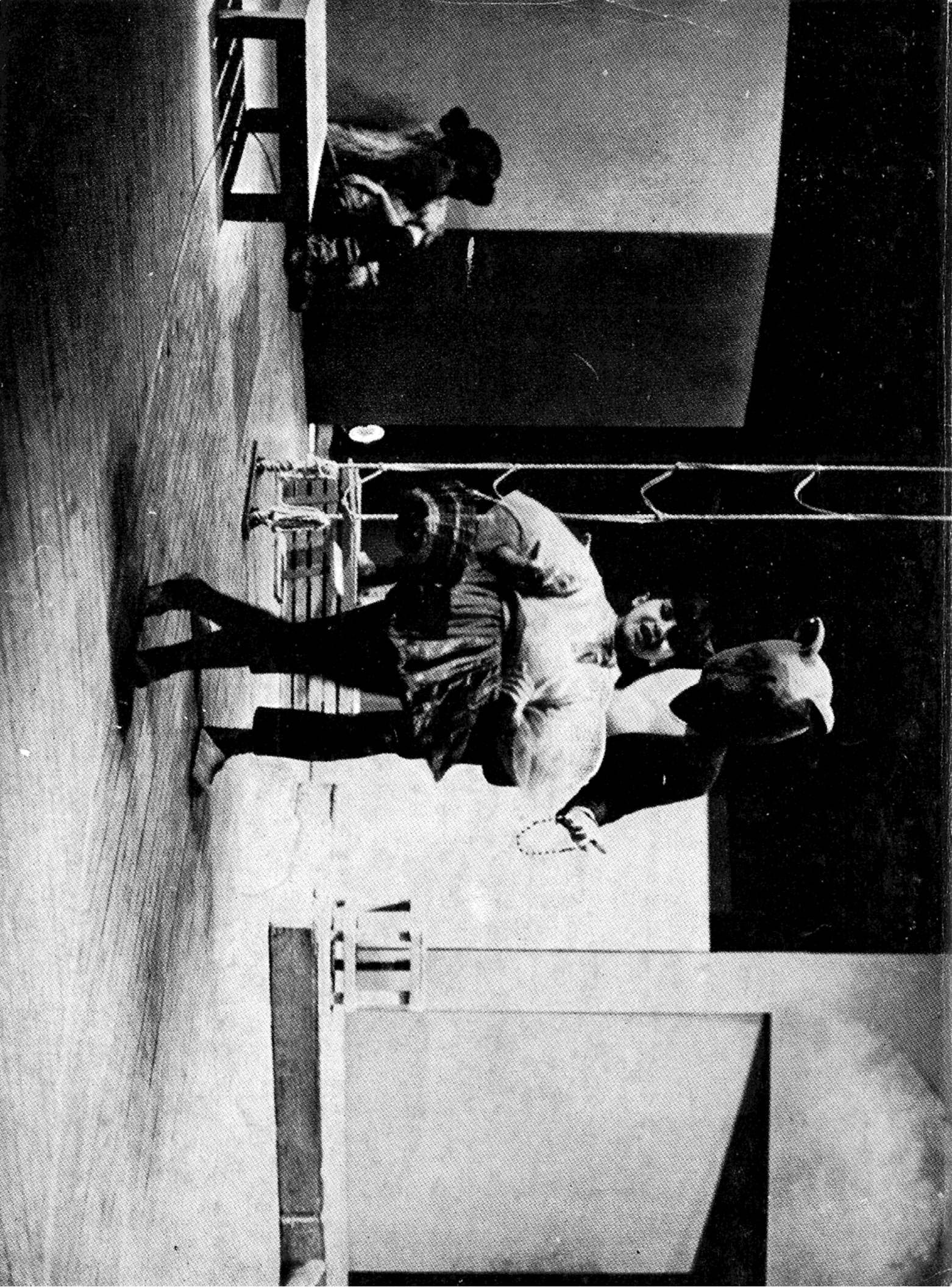
چطو شد ؟ نفهمیدم !
پس یعنی میفرمایین
بنده و زنم برای سرکار

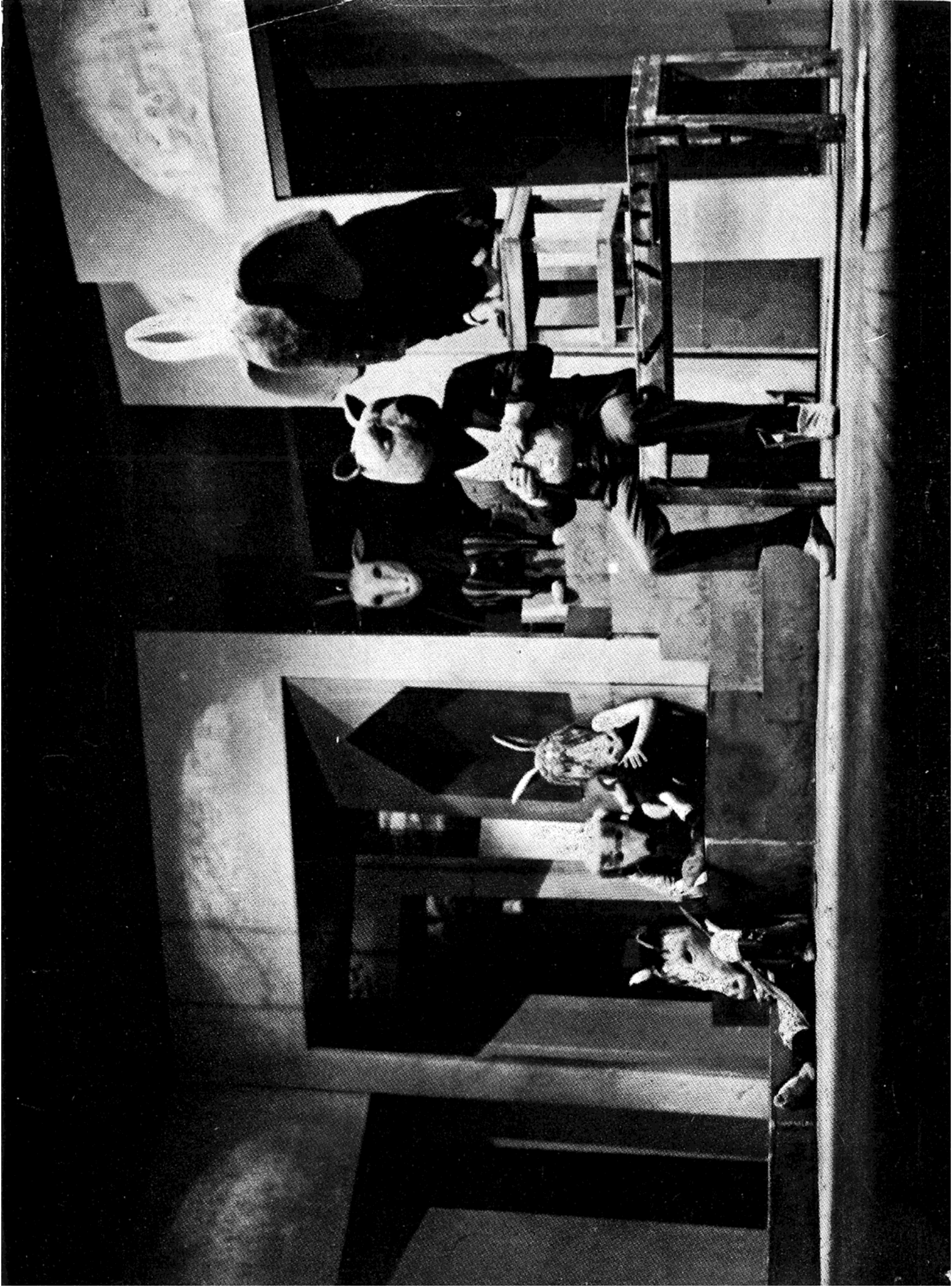
روباه

خر









شده ایم لایبراتور؟!؟

(به روباه حمله میکند)

بگیرم همچی بگویم تو مخش ...!

(دستپاچه) نه آقا ببخشینش ، ولش کنین !

فیل

صلوات بفرستین .

خرس

لااله الاالله !

خر

(شتر که پرده قلمکار مجلس شیرین و فرهاد را از دکان خود آورده ،

آنها بدیوار میآویزد و شروع به نقالی میکند .)

خوب ، حالا گوشاتونو واز کنین .

شتر

هر کسی مریض داره ،

هر کسی قرض داره ،

هر کسی یه گرهی تو کارشه ،

هر کسی دلش میخواد

قبرم جدمرو زیارت بکنه ،

یه دقه ساکت و آروم بنشینه

دل بده ، گوش کنه .

ای بابا ، دل کجا بود ؟

خر

ما دیگه دل نداریم ،

میمون

که به سر کار بدیم .

از همون روزی که ،

خرس

خاله سوسکه با مینی ژوپ خودش ،
یا تو این شهر گذاشت ،
دیگه يك دل توی این دیار پیدا نمیشه .

شتر (به کار خود ادامه میدهد)

اینکه اینجا میبینی شیرینه .

داره توی چشمه بازی میکنه .

خرس آخ چه نازی میکنه !

روباه آب تنی کردن شیرین چقدر شیرینه !

شتر اونکه اونور می بینی فرهاده ،

که دلش خونینه .

عشق فرهاد به شیرین آقا ، خیلی نقل داره .

میمون (بعنوان شاگرد مرشد به میدان می آید)

خوب آمرشد ، حالا تعریف بکن ،

اون کیه اونجا نشسته روی اسب ،

مته آرتیستهای فیلم ،

داره از بالای کوه ،

قاچاقی دختره رو دید میزنه ؟

شتر اونکه اونجا یه وری ،

یله داده روی اسب ،

داره شیرینو تماشا میکنه ؟

میمون آره مرشد خودشه .. همون جوون رعنا ،

که داره خیار چنبر میخوره .

شتر بیچه مرشد .. چی میگی ؟.. خیار چنبر کجا بود ؟

میمون پس آمرشد تو بگو ،

او چیه یارو داره گاز میزنه ؟

شتر اسم اون چیزی که این شخص گذاشته به لبش ...

خر چیپقه ؟

میمون ... نی لبکه ؟..

شتر ... نه جون من ، انگشته .

میمون بابا ول کن مرشد ،

مگه انگشت آدم خوراکیه ،

که یارو عین بلال ،

داره گازش میزنه ؟

شتر ای بابا .

بیچه مرشد ندیدم انقله کودن باشه .

اونکه این جوون زیبا به لبش برده آقا .. انگشته .

میمون د .. آمرشد ، مگه دیوونه شده ؟

آخه انگشت مال کار دیگهست .

نه برای خوردن .

شتر

آقاجون برات حکایت بکنم .
این جوون رعنا ،
با چنین خال سیاه ،
با چنین ابروی پیوسته و بازوی کلفت ،
داره انگشت به‌دندون می‌گزه .
بچه مرشد . تو بگو ،
اون چه انگشتیه که آدم به‌دندون می‌گزه ؟

میمون

خوب جناب مرشد ،
این دیگه معلومه .
اون انگشت حیرته .

شتر

شیر مادرت حالالت باشه .
اینکه این شخص به‌دندون می‌گزه ،
انگشت حیرته .
بچه مرشد ، بگو حیرت از چی ؟

میمون

حیرت از چی مرشد ؟

شتر

حیرت از خوشگلی این دختر ،
که به این شیرینی است .
حر کاتش شیرین .
سکناتش شیرین .
لب لعلش شیرین .

سخنائش شیرین .

اسم اون جوون رعنا .. خسرو ،

اسم این دختر زیبا شیرین .

آخ چقدر شیرینه !

روباد

عین يك دسته گل نسرينه !

خرس

(با روباه مشورت میکند - اما نگاهش را ز پرده بر نمیدارد)

چطوره منم برم لخت بشم ،

به هوای آب تنی برم جلو،

باندیمهش سر حرفو واکنم .

بعد بیرسم خانومش میل دارد صیغه بشه ؟

آخ خدایا برسان !

اگه شد بساطمون رنگیه !

چی میگی احمق جان ؟

روباد

مگه از جان خودت سیرت شدی ؟

مبادا بری جلو !

خسرو از بالای کوه می بینه !

(ترسیده)

خرس

نه بابا ؟...

.. جان شما .

روباد

خیلی هم غیرتیه .

(از ترس نفسش بند آمده)

خرس

از سیبلش پیداست !

مشتشم سنگينه .	روباہ
(شتر به کار خود ادامه ميدهد)	
نيگاکن بازو چيه ؟ پولاده .	شتر
نيگاکن چشم چيه ؟. شاهينه .	
تموشاکن توی مشتش چی چيه ؟	
خنجر زرينه .	ميمون
ترك اسبش چی چيه ؟..	شتر
... شمشيره ! زوينه !	ميمون
(در حالیکه شکم خود را گرفته است با عجله دور ميشود)	خرس
بعد خدمت ميرسم ..	
... کجا میری ؟..	روباہ
.. کابينه !!	خرس
(روباہ رندانه ميخندد)	
اونکه اونور مييینی فرهاده .	شتر
اونکه از فرق سرش تا نوک پاش خونينه ؟	ميمون
فهميدم خیلی حواست جمعه .	شتر
آره جونم ، خودشه .	
اون يارو فرهاده .	
عاشق شيرينه .	
خوب ، بفرما مرشد ،	ميمون

کی با اون تیشه به فرقش کوبیده...؟
... دست خودش .

شتر

چی میگی جناب مرشد؟ آخه دست ،
با رفیق آدم فرق داره .
رفقا معمولا ،

میمون

خنجر از پشت به آدم میزنن .
دست آدم که دیگه دشمن آدم نمیشه .

ای بابا .

شتر

دل و چشم و دست ما دشمن مان .
اگه نه خنجر دوست ،
که تو تاریکی به پشتت میشینه ،
سنتی دیرینه .

(با آواز)

میمون

هیچ خنجر دیگه پیدا نمیشه ،
که شبی پشت رفیقی رو سوراخ نکرد .
هیچ پشتی دیگه نیست ،
که تو کتفش اثر زخم یه خنجر نباشه .

ای دیگه عاقبت آدم عاشق اینه .

شتر

حالا من ،

یه دونه مرد جوو نمرد میخوام ،
که از اون گوشه این معرکه دست بالا کنه .
بندرو صدا کنه ،

دست سخاوت توی جیب پهلو دستیش بکنه .
هرچی به چنگش میرسه ،
از یه تومن تا صد تومن ،
بیشتر شد نمیخوام مال خودت ،
به نذر این فقیر اولاد شتر
بندازه اینجا و چراغ اولو روشن کنه .

(جمعیت بسرعت پراکنده میشوند فیل سکه‌ای از جیب بیرون می‌آورد
و بطرف شتر می‌اندازد شتر نمیتواند باور کند و بعد فیل تمام پولهای
خود را بطرف شتر می‌اندازد)

خیلی محظوظ شدم ...

فیل

♦♦♦ د ♦♦♦ د ♦♦♦ د ♦♦♦ دست شو ما درد نکنه .

شتر

(ناگهان سکوت مطلق حکمفرما میشود جمعیت باحیرت بسیار
برمیگردند و با دهان باز و نگاههای کنجکاو به این صحنه
مینگرند)

برو ای جوان که صد مقابلش
جدم خودش بهت عوض بده .

(پول را بالا نگاه میدارد و به همه نشان میدهد)

آقا این جیفه دنیاست ... چه ارزش داره ؟

اینا جز باز گناه و معصیت چیزی نیست .

با اینا فقط همیشه آتیش دوزخ رو خرید .

بخدا با این پول فقط میشه ،

نیش مار غاشیه ،

روز صد هزار سال ،

گرزهای آتشی ... عذاب دوزخ رو خرید .
 آقايون هر چي از اين جيفه دنيا توي جيبهاي شماست ،
 بريزين دور ..! بهجون خودتون رحم كنين !
 بخدا قسم كه جد اشترم ،
 يك در اين دنيا صد در آخرت
 بهتون عوض ميده
 شماها نميدونين آتيش دوزخ يعني چي ؟
 روز صد هزار سال ،
 فيش مار غاشيه ،
 گرزهاي آتشي

(فيل ناگهان از تصور عذابهاي وحشتناك دوزخ به گريه مي افتد و باشتاب
 همه جيبهايش را جستجو ميكند و تمام پولهايش را جلو پايش به زمين
 ميريزد . جمعيت با چشمهاي از حدقه درآمده و نگاههاي وحشيانه
 آرام آرام نزديك ميشوند . شتر بدبخت وضعي دارد بدتر از آنها .
 انگار كه دچار برق زدگي شده است .)

فيل

آقا از شما تشكر ميكنم ،
 كه منو از اين همه شکنجه و بدبختي ،
 اين همه عذابها ،
 گرزهاي آتشي ،
 فيش مار غاشيه ،
 روز صد هزار سال ،
 يكدفه راحت كردين ... نجات دادين .
 من در اين دنيا فقط يك دونه دندونم شكست ،

چه عذابی کشیدم ... فقط خدا میدونه !
حالا فکرش را بکن ،
که تو اون دنیا بخوان بازم شکنجه ام بکنن .
آخ خدایا ... دیگه بسه ..! دیگه طاقت ندارم !

(بخود میآید)

شتر

برو ای جوون ... خدا پشت و پناهت باشه .
مطمئن باش که جَد اشترم ،
اشتر اشترها ،

روز محشر سند و قباله و چك میآره ،
اگه محکوم شدی فی الفور ضمانت همیشه .

خیلی از لطف شما و جَدتون ممنونم .
اما باور بکنین که هیچ راضی نمیشم ،
که شما و جَدتون انقده زحمت بکشین .

فیل

(بی حوصله)

شتر

برو جونم ... برو فکرشم نکن .

(با شرمندگی)

فیل

آخه بنده ...

(عصبانی)

شتر

... د برو !

اوه بله ... البته .
خوب دیگه ... مرحمت شما زیاد .

فیل

(فیل تعظیم کنان خارج میشود . چند لحظه سکوت . جمعیت با قدمهای سنگین و تهدیدآمیز حلقه گرد شتر و پولها را تنگتر میکنند . شتر ناگهان خود را بر روی پولها میاندازد و میکوشد هرچه بیشتر ممکن باشد از آنها به چنگ بیاورد . دیگران نیز بلافاصله بروی او میریزند . جنگ مغلوبه میشود . بعد از چند لحظه یکنفر به زحمت خود را از زیر دست و پای دیگران بیرون میکشد و در حالی که غنیمت خود را توی جیبهایش میتپاند با عجله دور میشود . و بعد نفر دیگر ... و دیگر ... سرانجام شتر را میبینیم که بیهوش و زخمی و خون آلود روی زمین افتاده و حتی لباس بتن ندارد .)

پرده سوم

(صحنه تاریک میشود . میمون در تاریکی بدون ماسک با فانوس وارد میشود . و در حین خواندن آواز چیزهایی به سردر حجره های مردم شهر میآویزد .)

(با آواز) نه دیگه این واسه ما دل نمیشه .
هر چی من بهش نصیحت میکنم .
که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمیشه .
میگه یا اسم آدم دل نمیشه .
یا اگر شد دیگه عاقل نمیشه .
بش میگم جون دلم ،

میمون

اینهمه دل توی دنیاست ، چرا
یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده من ،
پا پی زلفای خوشگل همیشه ؟
چرا از اینهمه دل ،
یه کدوم مثل تو دیوونه زنجیری نیست ؟
یه کدوم صبح تا غروب ،
تو کوچه ول همیشه ؟
میگه يك دل مگه از پولاده ،
که تو این دور و زمونه چشمو هم بنارد ،
هیچ چیزی نبینه ،
یا اگر چیزی دید ،
خم به ابروش نیاره ؟
میگم آخه بابا جون ،
اون دل پولادی ،
دستکم دنبال کیف خودشه .
دیگه از اشك چشمش ،
زیر پاش گل همیشه .

(میمون ناگهان فانوس خود را بالا میاورد و مقابل صورت گوینده
که در گوشه‌ای پنهان شده است میگیرد . صحنه روشن میشود .
گوینده که غافلگیر شده با ناراحتی چهره خود را میپوشاند و میمون نیز
ماسک خود را بر سر میگذارد . حالا که صحنه روشن شده میتوانیم آنچه
را که میمون در تاریکی بر سر در حجره‌ها می‌گوید ببینیم : عدد
سیزده . میمون به آواز خود ادامه میدهد .)

میگه هر سگه میشه قلب باشه .
اما هرچی قلب شد دل نمیشه .
نه دیگه این واسه ما دل نمیشه .

(طوطی شاعر روی سکو میرود و شروع به خواندن شعر میکند)

طوطی

نظری به بوستان .

(مکث میکند و نظری به اطراف می افکند - سگ خود را می خارد .)

نظری به بوستان .

(مکث . تکرار میکند .)

نظری به بوستان .

میمون

نظری به بوستان .

(به شتر نگاه میکند و شانه بالا میاندازد)

خر

(دلخور) خوب بله فرمودین .

طوطی

(رنجیده و عصبانی)

بیسوادید آقا !

بیسوادید آقا !

بیسوادید عزیزم ... به خدا !

به خدا که بیسوادید ، آقا .

(با خودش زمزمه میکند و در دفترش یادداشت میکند)

خوب پیدا کردم .

آقا با خدا همیشه قافیه بازو کا ...

میمون

که خود بازو کا ،

یعنی البته اگر درست شلیک بشه ،
با لومومبا و غنا و هیئت دوستی آمریکا ،
همشون رو هم میشن قافیه افریقا .

(سر بلند میکند)

طوطی

نظری به بوستان ..

(مکث — دوباره تکرار میکند)

بنده میخواستم امروز در این جشن بزرگ ...

(با تعجب به اطراف مینگرد)

خر

کو؟... چه جشنی؟

... بله معذرت میخوام .

طوطی

ترک عادت سخت است .

بنده میخواستم امروز در این جای مقدس و عزیز

یکی از قصاید بزرگ و مشهورم را

در هزارو یکصد و بیست و سه بیت ...

ای آقا ... به گوش ما رحم کنین!

میمون

خوب پس ،

طوطی

نهصد و بیست و سه بیت .

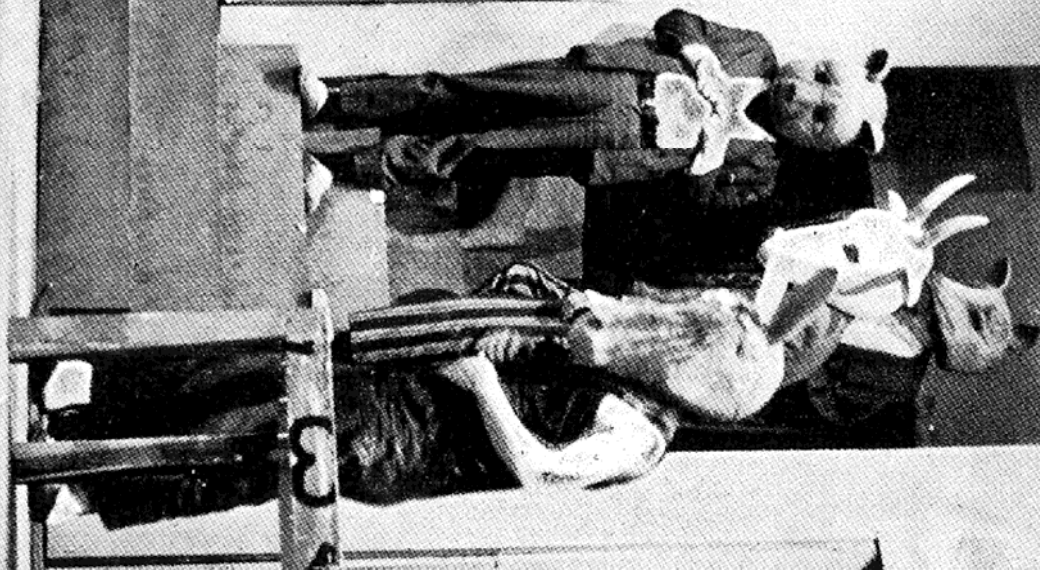
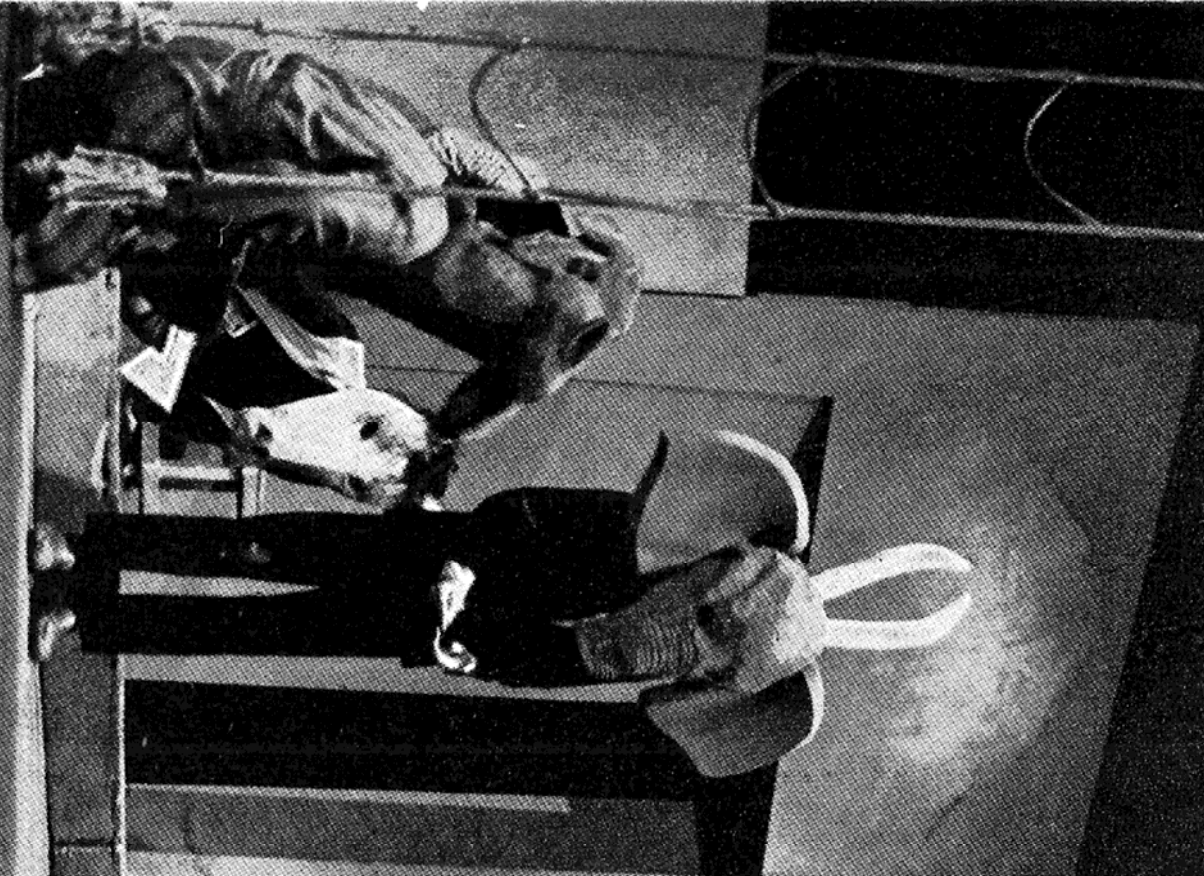
آقا تخفیف بدین .

خرس

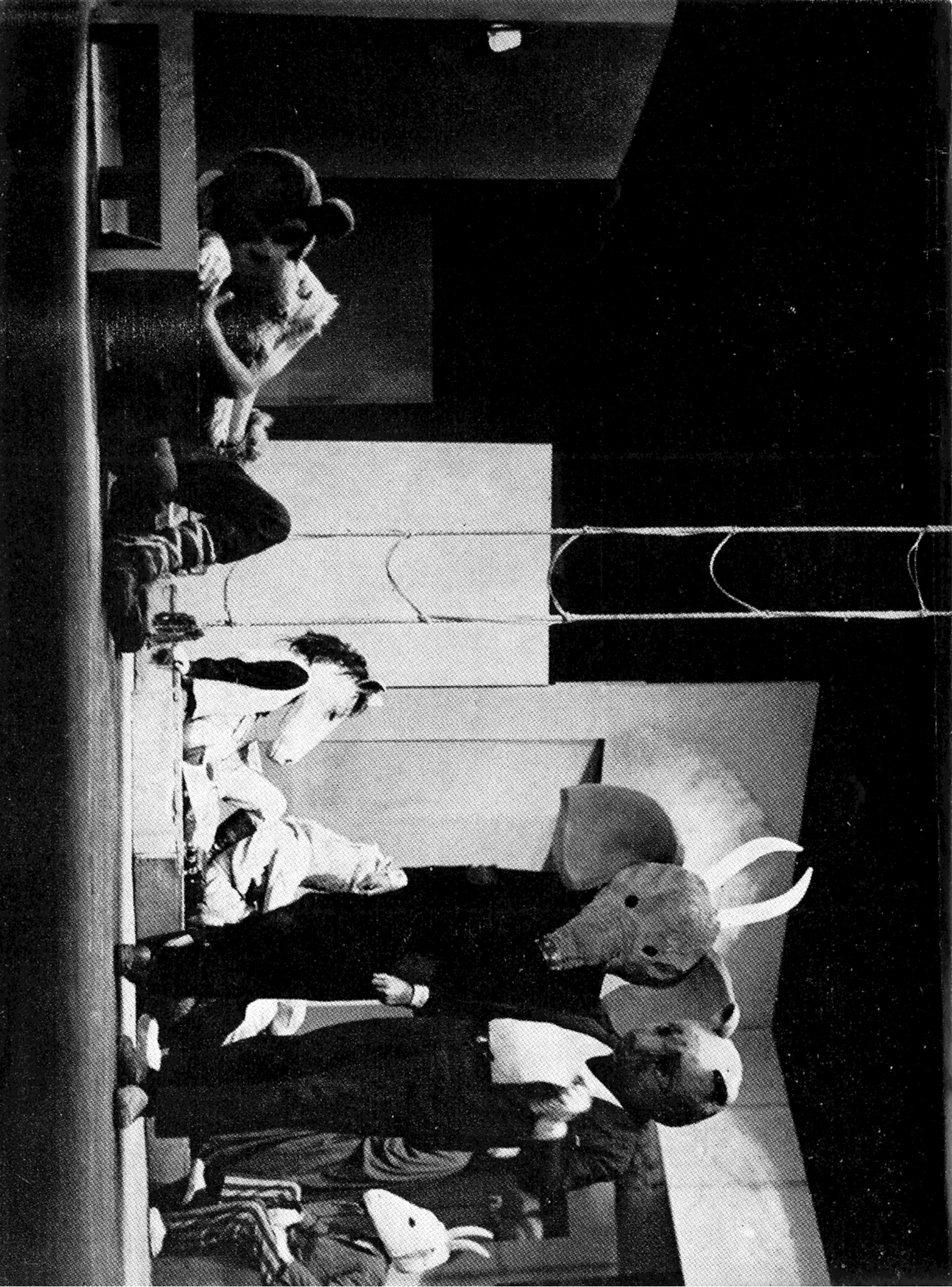
هشتصد و بیست و سه بیت .

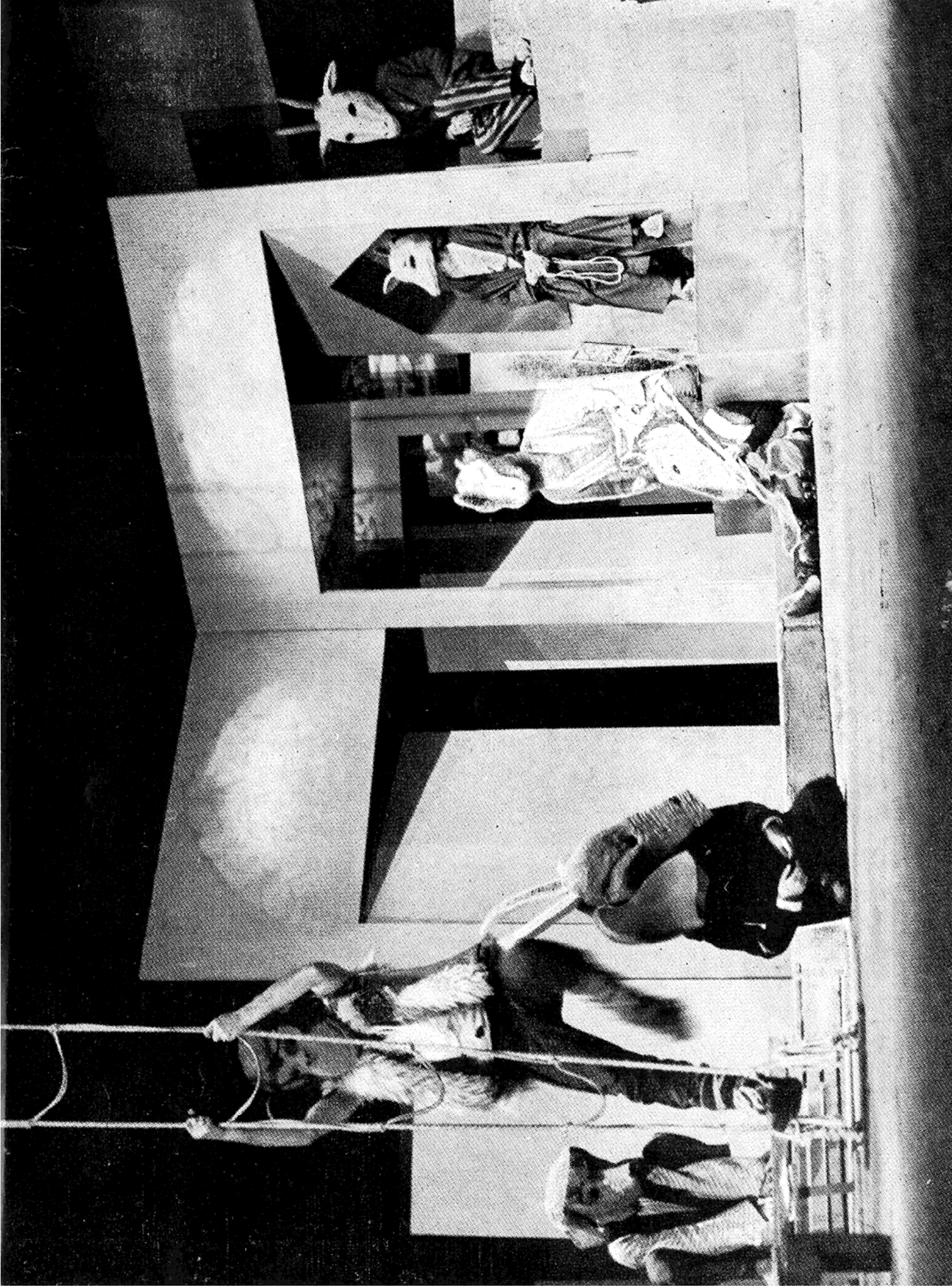
طوطی

آقا خواهش میکنم !	شتر
(کم کم عصبانی میشود) پانصد و بیست و سه بیت .	طوطی
نمیشه .	خر
(با قیافه تهدیدآمیز به طوطی نزدیک میشود)	
(جا میخورد) سیصد و بیست و سه بیت .	طوطی
نمیشه .	خر
(با التماس) پس فقط بیست و سه بیت	طوطی
نمیشه .	خر
خوب ... سه بیت .	طوطی
(خر پس گردن طوطی را میگیرد او را هل میدهد)	
عرض کردم که سه بیت .	خر
نمیشه .	خر
(در حالی که به طرف شتر میرود زیر لب غرغر میکند) خر که شاخ و دم نداره آقا جان !	طوطی
(به او نزدیک میشود) بینم .	خر









طوطی	ب ... ب ... ب ... بله ...؟! ش ... ش ... ش ... شما ؟
خر	من خرم ...
طوطی	... خوشوقتم .
	(خر نزدیک میشود)
خر	آخه من خیلی خرم ...
طوطی	(به سر خود می گوید) ... بدبختم !
خر	خوب حالا گوش میکنی ؟
طوطی	گو ... گو ... گوشم به شماست .
خر	(عصبانی از طوطی که از وحشت دائماً روی خود را بسوی دیگر میکند فریاد میزند) د ... منو نیگا بکون !
طوطی	نی ... نیگاهم به شماست .
خر	چی چی گاتون ؟...
طوطی	... نیگاهم ...
خر	... ز ... زرشگ !
	(خر چند لحظه در سکوت او را برانداز میکند . از زدن او منصرف میشود به طرف دکان خود برمیگردد . طوطی نفس راحتی میکشد و در کنار شتر مینشیند و غرغر را شروع میکند .)

طوطی

من اچقرو بگو!

واسه چه جور کسانی میشینم شعر میگم!
عوض قدرشناسی به آدم زرشگ تعارف میکنن!
راستی راستی که خرم!.. خیلی خرم!

(خر با سرعت پیش میدود)

خر

چطو شد؟

کی بود میگفت خرم من؟!

(به یکایک اشخاص رجوع میکند و آن شخص به نفر بعدی

اشاره میکند .)

شو ما بودین...؟

اسب

... نه ایشون .

خر

شو ما بودین...؟

میمون

... نه ایشون .

خر

شو ما بودین؟

خرس

... نه ایشون .

خر

شو ما بودین...؟

سگ

... نه ایشون .

خر

شو ما بودین...؟

شتر

... نه ایشون .

- خر شوما بودین...؟
- روباه ... نه ایشون .
- خر (به طوطی) شما بودین ؟
- (طوطی به اطراف مینگرد و چون کسی را نمیبیند که متهم کند ناچار سکوت میکند)
- خر (به طوطی) پس اینطور...؟
- طوطی خوب دیگه شاعرم من .
- خر (با عصبانیت به طرف طوطی حمله میکند و میخواهد او را بزند)
- تو شاعری یا...!
- میمون (خود را به میان آنها میاندازد)
- ... وایسا !
- خودم درستش میکنم ...
- خر (غرغر کنان دور میشود)
- ... بفرما !
- (میمون سرعت از حضار يك دادگاه بریاست خودش تشکیل میدهد . روباه دفتری در جلو میگذارد و وظیفه منشی را بعهده میگیرد .)
- میمون (با چکش روی دیوار میکوبد)
- تق ♦♦♦ تق ♦♦♦ تق ♦♦♦ تق ♦♦♦
- توجه ♦♦♦ توجه !

اتل متل تسمیه .
جلسه دیگه رسمیه .
هیئت منصفه کجاست ؟...

... اون طرف . روباه

شاکی کیه ؟... میمون

... متهم . روباه

متهم ؟ میمون

متهم هم شاکیه . روباه

(میمون سر در نمیآورد . کله‌اش را میخارد)

خوب حالا متهم کیه ؟... میمون

... شاکیه . روباه

(سرفه‌ای میکند) میمون

خیلی خوب ؟

شاکی متهم کیه ؟

... بندهام خر

بیا جلو ... (یادداشت میکند) روباه

... بنده شرمندهام . خر

قسم بخور ... روباه

خر	... ميل ندارم .
روباه	قسم بخور ..
خر صرف شده جون شما .
روباه	ميگم بخور !...!
خر	... جون خودم نميشه .
	الانه پيش پاتون
	جانون خالي ... يونجه سيري خوردم .
	(روباه اظهارات او را يادداشت ميكند)
روباه	استو بگو ...
خر	... كوچيك شما خرم من .
روباه	شغل شما ؟...
خر	من ... بله ... خراطم من .
ميمون	اون خر خراط كه ميگن شماييد ؟
خر	معلومه ... خراطم من .
	تو خراطي جون شوما
	ميون خرا سرم من .
ميمون	(اشاره به طوطي)
	شما از اون آقا شكايه دارين ؟

خر چه جورم !

میمون از کار خراطی رضایت دارین ؟

(خر ماسکش را بر میدارد و به لبه سقاخانه تکیه میکند .)

خر نه قربون .

این روز روز هر چیزی فابریک شده .
از چیق و کوزه و قلیون بگیر ،
تا چوب سیگار همش پلاستیک شده .
هر جا میری پلاسکو .
هر جا میری ملامین .
ای آقا ...

دکون خراطی دیگه تخته شد .

میمون پس تو چرا به خراطی چسبیدی ؟
چرا نمیری دنبال یک کار خوب ؟
یه شغل نون و آبدار ؟
تو هم برو جنس پلاستیک ساز .

خر خوب آخه من خراطی را دوست دارم .

میمون خیلی خری!

خر ... معلومه .

(ماسکش را بر سر میگذارد)

خری که خراط نباشه قاطره !

میمون

کافیه .

بفرمائید ...

(خر میروود)

... متهم ؟

(طوطی جلو میروود)

طوطی

بندهام .

روباه

اسم شما ...؟

طوطی

... طوطیه .

روباه

طوطی چی ؟

طوطی

طوطی شکر کن .

(روباه یادداشت میکند)

میمون

انهام ؟

روباه

جعل نام .

خر

راست میگه اون اسم منو دزدیده .

میمون

(با چکش روی میز میکوبد)

تق تق تق تق تق !

روباه

کار شما ...؟

طوطی

... عاشقی .

شغل شما ...؟	روباہ
... شاعری .	طوطی
تو شاعری یا طوطی ؟	میمون
طوطی شاعرم من .	طوطی
شاعر طوطی نمیشہ .	میمون
خوب دیگہ پس خرم من .	طوطی
ہر شاعر خر نمیشہ .	میمون
ہر خری شاعر نمیشہ	اسب
بہ ہر کتابی برسہ ، شعرا شواز بر نمیشہ . تا سر فرصت بشینہ ، ہمیشو رونویس کنہ ، بعد تو دیوان خودش ، بہ خط و امضای خودش ، اونارو پاکنویس کنہ .	خرس
شاعر خوب قلندرہ .	بز
خر کہ قلندر نمیشہ .	خر
فکرش باہاس روشن باشہ	میمون

خر	خر که منور همیشه
طوطی	شاعر باید عمیق باشه
خر	خر که مقعر همیشه .
خاله	(از جایگاه شهود) شاعر باهاس عطر بز نه .
خر	خر که معطر همیشه
روباہ	شاعر باهاس شیک باشه لباس فاخر بیوشه .
خر	با هیچ لباس فاخری ، خر که مفخر همیشه
اسب	شاعر باید پاک باشه .
خر	خر که مطهر همیشه .
شتر	قدش باهاس دراز باشه .
خر	خر که صنوبر همیشه .
خرس	صورت خوب داشته باشه .
خر	خر که مصور همیشه .
خاله	شاعر خوب زن می گیره

خر

خر که مکرر همیشه !
حالا آقایون شما بگین .
شما قضاوت بکنین .
بنده خرم یا ایشون ؟

میمون

متهم .

طوطی شکر شکن .

ساکن شهر قصه .

شغلس ... (بهروباه) چی بود ؟

روباه

... شاعری .

میمون

کارش ... (بهروباه) چی بود ؟

روباه

عاشقی .

میمون

اتهام ..

روباه

... جعل نام .

میمون

(آهسته به روباه)

اینشو دیگه یادم بود !

(با صدای بلند)

برای آخرین دفاع حاضره ؟

طوطی

البته .

میمون

بفرمائین ...

روباه

... ما گو شیم .

طوطی

اتل متل سکینه .
طوطی شکر شکن ،
اسم من غمینه .
شاعر شیرین سخن
بنده کمترینه .

(طوطی پس از چند جمله دچار بیماری شور قافیه میشود

و دیگر نمیتواند جلو خودش را بگیرد)

شاعر ماهر م من .

تو شاعر ا تکم من .

رفیق لک لکم من .

دشمن ارد کم من .

صاحب قلکم من .

یمن و مبارکم من .

ضارب دنبکم من .

دیم د د د د ک کم من .

میمون

کشنده ککم من .

طوطی

کفتر تولکم من .

انار کالکم من .

درویش و اهل عالم .

عاشق حالکم من .

خرس

دشمن پول و مالکم .

طوطی

عاشق پولکم من .	خرس
عاشق مالکم من .	روباہ
ساکن قلهکم من .	طوطی
بسہ دیگہ ...!	میمون
... دکم من	طوطی
بسہ دیگہ ...!	ہمہ
♦♦♦ فکم من ♦♦♦ بکم من ♦♦♦ ککم من ♦♦♦	طوطی
(شور قافیہ طوطی را در خلسہ فرو میبرد)	
(میجهد و دہان او را میگیرد)	میمون
سرم رفت ... سرم رفت ...!	
(شور قافیہ ہمہ را گیج و منگ کردہ است)	
(تلو تلو میخورد)	خرس
آخ سرکم منگ شدہ	
منگک و گیجکم من	
(گیج گیج میخورد)	اسب
من عرفک نخوردم	
پس چرا مستکم من ؟	
دملک و اسطرباکم چطو شد ؟	خرس
خرسک رمالم من .	

رمال رملکم من .

روباه

هيئنك منصفه

من سر کم گيج میره .

بالا و پايينك ميشم .

ملای شهر کم من

منشی داد گاهك

صاحب عينکم من

من چرا همچينك ميشم

خر

... بيگی منو .

ديگران

منك چرا مستك و لولك ميشم ؟

خر

بيگی منو

ديگران

(دهان طوطی را رها میکند)

ميمون

اتك متك توتولك

ديدی چكار كردی ؟

انداختيمون به اك اك !!

(نفسش بند آمده و دارد از حال می رود - با اینحال هنوز زیر لب

طوطی

ادامه میدهد)

اکم من

فکم من ...

(بیهوش میشود و بزمین می افتد ديگران او را بیرون

میبرند)

(خر درگوشی با خرس پیچ پیچ میکند و سپس بطرف فیل پیش می‌آید . خرس نیز بسرعت درگوشه‌ای برای خودش دستگاه میرزائی دایر میکند)

خر (عاشقانه دستی به شاخهای عاجی او میکشد)

خوب ... که گفتم اینا جفتش عاجه .

خرس عاجشم ... ای ... بد نیست .

خر خوب داداش ... نقد بدم پونزدهزار؟

فیل ای آقا ...

خر شونزدهزار؟

فیل نه جونم

خر ... هیوزدهزار؟

فیل آقا ... شوخی میکنین ...

خر هیژدهزار .

سگ ای آقا .

کی میاد هیژدهزار

بده دو تا شاخ مضحك بخره؟

(زیرگوش فیل زمزمه میکند)

من خودم تا دو تومن هشتیریشم .

خر خوب ، بدم نوزدهزار؟

فیل

(با وحشت شاخهای خود را میچسبد)
خیر ... قربون شما .
شاخ من فروشی نیست .

خر

(با گردن کلفتی)
چی چی رو فروشی نیست؟!
من دارم اینهمه پول بالاش میدم ... کتلی خسارت میکشم ،
که با این شاخهای بیقواره و مضحک تو ،
یه دونه دسته چپق درس کنم ،
که به خوابم ندیدی !

فیل

خوب آقا ... تقصیر چاکر چی چیه ؟

خر

(با فریاد و هوچی بازی)

آقایون !

همه شاهد باشین !

این یارو داره به من فحش میده !

روباہ

وایسا من برم یه کاغذ بیارم ،
استشاد جمع کنم .

فیل

(دستپاچه)

آقاجون ... قربونتم .

آخه من چیزی نگفتم به شما .

خر

بابا ای والله ... داداش !

روباه

عجبا ..! عجبا !

خر

من میگم دارم خسارت میکشم ،
روزی پنج هزار تومن ،
بالای این دوتا شاخ ضرر میدم ،
تازه سر کار جلوگی روی همه ،
میگی تقصیر نداری ؟
ای بابا ... روتو برم !
اگه من دروغ میگم ، این دوتا شاخ
روی گله شوما چکار داده ؟

روباه

کاملاً صحیح میفرمائید .
مدرک مستندی است .

فیل

آخه قربان ... یادتون نیست مگه ؟
این دوتا دندان من بود ...

خر

... زرشک !

(به سگ)

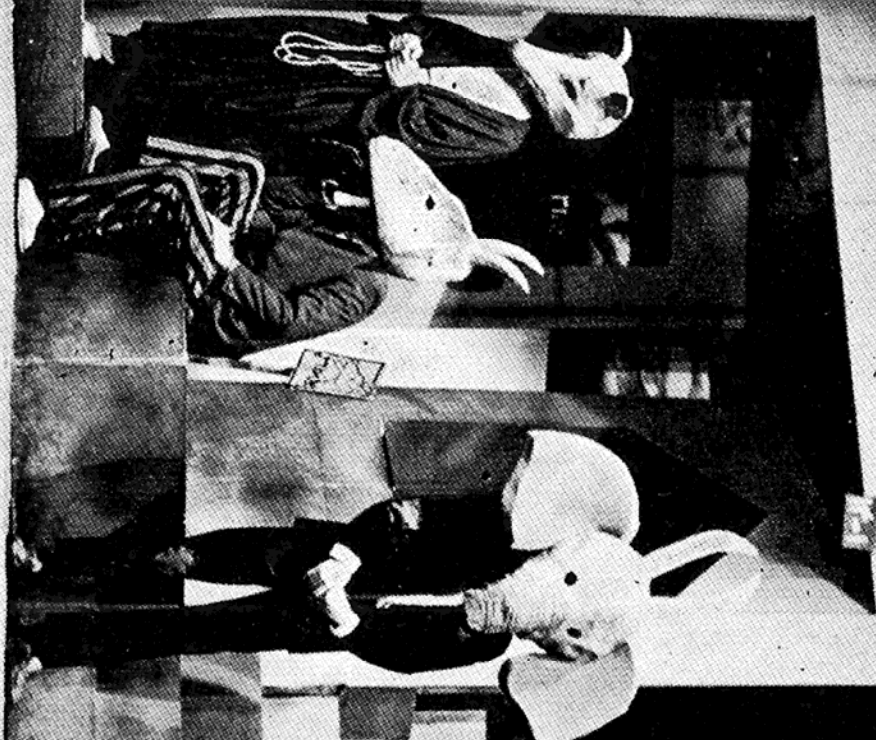
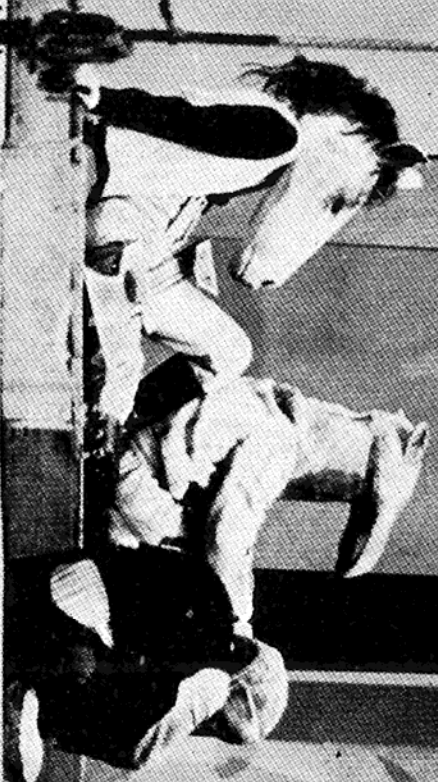
باز طرف میخواد بهما برگ بزنه .
مارو هالوگیر آورده جون تو !

سگ

راست میگه جون شوما .

(به دیگران)

این یارو خیلی خره !









خر

(عصبانی) چی چی شد ؟ ... تفهیمیم ؟

کی خره ؟

(سجل خود را نشان میدهد)

بنده که قانونا ،

طبق این مدارك رسمی خرم ،

هم معافی دارم ،

هم سجل دارم ... هم گواهی خراطی ،

یا جناب آقا

که نه اسمی داره ،

نه کسی میدونه او اهل کجاست ،

نه اصولا تو تموم دنیا

یه نفر هست بیاد به ما بگه ،

این بابا با این سروشکل مهیب

توی دنیا چی میخواد ؟ ... کارش چیه ؟

خودشم نمیدونه .

خرس

میگی نه ؟ نیگابکن .

زوباه

(به فیل)

آقا چون ممکنه توضیح بدین

که شما پرنده این ؟ ... خزنده این ؟

گوشته خوارین ؟ ... سبعین ؟ ... درنده این ؟

(سکوت)

خوب عمو ، جواب مارو ندادی .

خرس

فیل

والله قربان چی بگم ؟
روزگاری من مادر مرده فیل بودم .
نه رو گله ام شاخی بود ،
نه دماغم انقده کوچیک و مضحك شده بود .
اما فعلا ... چی بگم ؟
راستی راستی خودمم نمیدونم .
(میمون وارد میشود)

میمون

ای بابا اینکه نشد !
آخه تو
از کدوم خراب شده را تو کشیدی اومدی
توی این شهر قشنگ ،
میون یه مشت مردوم دغل
همه ختم روزگار ،
همه با هوش و زرنگ ؟!
بیینم ...
فکنه از زیر بنه اومدی ؟

فیل

نه آقا ،
بنده پیش از اوفکه اون روز غروب ،
خدمت حضرت عالی برسم ،
میون جنگل سبز ،
لب یک چشمه زیبا و خنک ،
برای خودم یه جائی داشتم .

احترامی داشتیم .

هرچی بود بالاخره فیل سرافرازی بودم .

نه سرم پیش کسی خم میشد ،

نه کسی بود که مسخره‌ام کنه .

یا ازم سبیل بخواد .

یا بخواد از عاجم دسته چپق درست کنه .

نه دیگه اگر کسی ،

اسمو می‌پرسید ،

سندی قباله‌ای لازم بود ،

تا که ثابت بکنم ،

بنده اسمم فیله .

عجبا ... حیرتا !

خوب حالا قباله‌ای ،

ملرکی ،

سند مستندی همرا تونه

که به ما صحت این قصه رو ثابت بکنه ؟

(آه میکشد)

ای آقا ... قباله‌ای لازم نیست .

من خودم ،

دیگه کم کم داره این قصه فراموشم میشه .

خودمم یواش یواش ،

داره باورم میشه ،

روباه

فیل

که از اون اول خلقت اصلا ،
به کسی به نام فیل
توی دنیا نبوده .

روباہ

محتمل هست جنابعالی ،
يك چنین جانوری را یکشب
توی خواب دیده باشید .

خرس

بعدشم کمی خیالاتی شدی
زد به گلهت که بیای لبه شهر ما
خودتو به جای اون جا بزنی .

فیل

نمیدونم ... شاید .

روباہ

مطمئن هستید یا مشکوکید ؟

فیل

والله ... راستش ... چی بگم ؟

کسی که اسم خودش یادش نیست ،
کسی که دندونش از روی سرش بیرون بیاد ،
چی میخواین یادش باشه ؟

روباہ

پس شما به جرم خود معترفید ؟

فیل

(بی خیال)

بله قربان ...

(ناگهان متوجه میشود)

ج ... ج ... جرم ؟

(زبانش بند میاید - خر و خرس زیرگوشی با هم بیچ بیچ
میکند)

خر (بازوی او را میکشد و او را به کناری میبرد - زیرگوشی با او حرف
میزند)
یا اینجا باباجون ...
گوشنو واز بکن ... بین دارم چی بت میگم .
دیگه کارت زاره !
از سه ماه تا هشت ماه رو ساخته .
(با تعجب به شاخهای خود دست میکشد)

فیل آه خدایا چه کنم ؟

دیگه بیچاره شدم !

خر تازه اینکه چیزی نیست .

شو ما وارد نیستین .

ما که حبسی کشیدیم میدونیم .

سابقهت خراب میشه .

عکستم تو روزنومه چاپ میکنن .

فیل حالا من چکار کنم ؟

خر هیچ دیگه راهی نداری .

راه فراری نداری .

اما چرا ... یه راهی هست .

فیل بفرمائین ... بفرمائین

خر

پاشو برو ثبت احوال

هم فاله هم تموشا .

سجل بگیر ، یه اسم خوشگل بگیر .

فیل

آخه چه جوری ؟...

خر

(او را در حین صحبت بطرف خرس که پشت میز کوتاه رمالی نشسته

و عینکی بچشم گذارده است می برد)

پامیشی میری اداره .

پیاده یا سواره .

در میزنی تق تق تق

(سکوت)

میری تو اطاق .

انقده منتظر میشی

تا زیرپات علف در آد .

بعد یارو یواش یواش

کله شو بالا میاره

بهت میگه ...

خرس

... بفرمائین ؟

فیل

(جا میخورد)

من چی بگم ؟

خر

بگو که سجل ندارم .

فیل	بنده سجل ندارم
خرس	بمن چه ؟
فیل	یارو میگه بمن چه .
خر	بگو که میشه بگیرم ؟
فیل	میشه که سجل بگیرم ؟
خرس	بتو چه ؟
فیل	(عقب عقب میرود)
	ایشون میگن بتو چه ؟
خر	بگو بابا لازمش دارم .
فیل	(با ترس و لرز)
	قربان لازمش دارم .
۱	(خر آهسته کنار میرود)
خرس	به من چه ؟
فیل	(برمیگردد خر را پیدا نمیکند - ناچار خودش ادامه میدهد)
	چیکار کنم ؟
خرس	به تو چه ؟
فیل	آخه میدونین سجل عکس دار میخوام .
خرس	به من چه ؟

میدونی چیه؟...	فیل
... بتو چه؟	خرس
سجلو واسه کار میخوام .	فیل
به من چه؟	خرس
میدونی که بیکاری چیه؟	فیل
بتو چه؟	خرس
شیش ساله من کار ندارم .	فیل
به من چه؟	خرس
میدونی که بی پولی چیه؟	فیل
بتو چه؟	خرس
سی ساله من پول ندارم .	فیل
به من چه؟	خرس
(مکث)	
حالا بینم این کار ما ،	فیل
هیچ جوری حل نمیشه؟	
بتو چه؟	خرس
آخه بی سچل نمیشه !	فیل

خرس

بمن چه ؟

فیل

آقای عزیز ... قربونتم

صدقه بلاگردونتم

... گوش میکنی ؟

خرس

بتو چه ؟

فیل

نوکرتم ... چاکرتم

تو يك كلوم فقط بگو

یه آدم فلک زده

یه بخت برگشته‌ای که سجل بخواد

بایس چه کاری بکنه ؟

راس راسی تکلیفش چیه ؟

(خرس به تقلید کارمند مربوطه سرش را میخارد و فکر میکند)

خرس

والله آقا ... کار شما

اینجوری‌ها حل نمیشه

اینجور چیزا تمبر میخواد

مهر میخواد ... امضا میخواد

کاغذ میخواد ... مداد میخواد

قلم میخواد ... دوات میخواد

آخوند میخواد ... ملا میخواد

سفارش از بالا میخواد

تعارف و سلام میخواد

آدم خوش کلام میخواد
پول میخواد ... مقام میخواد ...
(مکث)

تمبر پیش ذیحسابه .
مهر مونم خرابه .
امضا پیش رئیس .
رئیس پیش مداده .
مداد پیش دواته
دوات توی اطاقه
اطاق درش کلیده
... خلاصه ...

چه جوری بگم فلونی ؟

(میخندد)

خودت باید بدونی .

(نمی فهمد)

نه والله !

فیل

(با دست اشاره مخصوصی میکند)

می فهمی ؟

خرس

نه بالله !

خرس

پس بذار حالت بکنم ...

خرس

... بفرما .

فیل

خرس

هر چیزی تکلیفی داره .
هر کاری آدابی داره
فال بگیری نیاز داره
زن بگیری جهاز داره
تیتر بری بلیط میخواد .
هر جا بخوای یکدرو برو واز بکنی .
بالاخره کلید میخواد .
حالت شد ؟...

فیل

... نه والله .

خرس

چقدر خنگی ماشاءالله !
بین جونم ... به اصطلاح ...
الهسون و و لهسون ...
پول چائی رو چیکار کن ؟...

فیل

چه عرض کنم ؟

خرس

.... (کلافه) برسون ... !!

(سکوت)

بالاخره حالت شد ؟

فیل

البته ... چه جورم !

(فیل یکی از شاخهای خود را بر میدارد و به او میدهد)

خیلی باهاس ببخشین .

خرس

چه حرفا !

فیل	قابل شمارو نداره .
خرس	چه کارا !
فیل	بنده که روسیاهم .
خرس	بندهٔ بارگاهم !
فیل	خوب ... حالا من ...
خرس	چاکر آستانم !
فیل	عرض شود
خرس	... نوکر خانه زادم !
فیل	عرض میکنم چه روزی خدمت برسم ؟
خرس	ای آقا خدمت از ماست !
	(چیزی مینویسد و امضا میکند)
فیل	فردا پیام ؟
خرس	نه قربون .
فیل	یه شنبه ؟
خرس	نه جانم .
فیل	دوشنبه ..؟ سه شنبه ..؟
خرس	(شناسنامه کامل را بدست او میدهد)

بفرمایین ...

... چطو شد؟ (متحیر است)

فیل

سجلتون حاضره .

خرس

(از تعجب نفسش بند آمده)

فیل

ح ح ح ح حاضره؟

سام عليك ... بفرمایین

خر

(فیل خسته و وامانده و گیج کنار او مینشیند و به نقطه‌ای

خیره میشود)

خوب چطو شد؟ ... یارو آخرش چی گفت؟

(فیل مات نگاه میکند)

آخرش برات سجل صادر کرد؟

(سکوت)

اوی ... عمو ... دارم باهات حرف میزنم !

مگه خوابت برده؟

(بخود میاید)

فیل

اوه ... بله

خیلی معذرت میخوام ... چی فرمودین؟

پرسیدم سجل گرفتی؟ ...

خر

... بله ...

فیل

... الحمدولله .

خر

خیلی اوضات خراب بود ...

فیل

... بله قربان ، میدونم .

خر

حالا بین خودمون ،

یارو هم لوطی‌گری کرد جون تو .

اگه نه صدور این سجل سه ماه طول میکشید .

فیل

بله ... من شانس آوردم ...

خر

... پس چی !

آخه من به اون یارو

بابت کار شما خیلی سفارش کردم .

فیل

ممنونم .

خر

(تردیک میشود)

خوب داداش ، بالاخره ،

اسم سرکار چی شد ؟

فیل

فیل قربان ... نه ... چی چیز ...

صبر کنین نیگاه کنم

اوه ... بله .

م منوچهر !

(همه بشدت می‌خندند - فیل چند لحظه مات و گیج به‌شناسنامه و نام

بی‌مسمائی که بر او نهاده‌اند خیره میشود و بعد با یک حالت عصبانی

ماسک خود را برمیدارد و بدور می‌اندازد و با صدائی که از اعماق

وجودش برخاسته فریاد میکشد)

خیر نبینی ...

خیر نبینی ...

خیر نبینی همومی ...

(کم کم دیگران بصورت دسته‌کر همراه او شروع به آواز خواندن میکنند و گرد او میرقصند .)

... طاس و دولیچه‌م رو بردن

طاس و دولیچه‌م جهنم

لنگ و قدیفه‌م رو بردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیفه‌م جهنم

فرش و قالیچه‌م رو بردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیفه و فرش و قالیچه جهنم

دندون عاجم رو بردن

دندون عاجم جهنم

خرطومم رو خوردن

خرطومم جهنم

حتی اسمم رو بردن

خیر نبینی ... خیر نبینی همومی

(فیل با فریاد آخرین در برابر سقاخانه بز انومی افتد و خاموش میماند . دیگران بجز میمون که در تمام مدت بگوشه‌ای خزیده و ساکت بود یکی یکی در حین رقص از صحنه خارج میشوند . گوینده وارد میشود)

بچه‌ها سلام .

گوینده

(کسی پاسخ نمیدهد .)

... بچه‌ها

(سکوت)

بچه‌ها ...

(سکوت - گوینده مضطرب میشود)

بچه‌ها ..

من دارم قصه میگم ...!

(وحشت‌زده فریاد میکشد)

بچه‌ها ... بچه‌ها !!

(میمون ماسک خود را برمیدارد و بر میخیزد و در حالی که

میخواند بطرف فیل میرود)

نه دیگه ...

میمون

نه دیگه این واسه ما دل نمیشه .

(بازوی فیل را میگیرد و او را از زمین بلند میکند .

نگاهش با نگاه وحشت‌زده و لبریز از تنهائی گوینده برخورد

میکند . با لبخندی تلخ)

آقا ما مجنونیم

آقا ما داغونیم ...

(زیر لب)

گوینده

خودمون میدونیم .

(صحنه تاریک میشود)

پایان





نشریه شماره ۲

سازمان جشن هنر

شیراز - تخت جمشید - ۱۳۴۸

قیمت ۵۰ ریال